

تبیین جامعه‌شناختی زمینه‌های اجتماعی پرورش و گریز نخبگان در شهر بندرعباس

نادر افقی، استادیار، گروه علوم اجتماعی دانشگاه گیلان، ایران*

حمید عبداللهی، استادیار، گروه علوم اجتماعی دانشگاه گیلان، ایران

سمیره علی‌پور، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان، ایران

چکیده

نخبگان رکن اساسی توسعه هر جامعه‌ای هستند که بدون آن‌ها مسیر توسعه هرگز هموار نخواهد شد. مسأله‌ای که جامعه ما را مورد تهدید می‌کند، مهاجرت نخبگان است. بر این اساس ضروری است که به منظور نگهداشت نخبگان و استفاده مناسب از ظرفیت‌های علمی آنان در جهت توسعه، زیرساخت‌ها و شرایط لازم برای پرورش و بالندگی شناسایی شود. پژوهش حاضر در راستای نیل به این هدف سعی بر مطالعه زمینه‌های اجتماعی پرورش و گریز نخبگان در شهر بندرعباس داشته است. روش تحقیق پیمایشی-مقطعی بوده و از تکنیک پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر دربرگیرنده دانش‌آموزان نخبه پیش دانشگاهی مدارس تیزهوشان، استادان نخبه، دانشجویان استعداد درخشان دوره تحصیلات تکمیلی دانشگاه دولتی، پزشکان نخبه و محققان و پژوهشگران نخبه غیر دانشگاهی، به تعداد ۲۶۷ نفر می‌باشد، که از این تعداد ۱۴۰ نفر براساس فرمول کوکران و به شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی و انتخاب شده‌اند. برای بررسی رابطه متغیرهای پیش‌بین بر پرورش نخبگان و تمایل آن‌ها به مهاجرت، از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون، آزمون t ، تحلیل واریانس یک‌طرفه، رگرسیون چند گانه و تحلیل مسیر استفاده شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، سرمایه نمادین، خانواده و پرورش نخبگان رابطه معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل مسیر نشان می‌دهد که بین سرمایه اجتماعی، گروه مرجع، امنیت اجتماعی و گرایش به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: پرورش نخبگان، گرایش به مهاجرت، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، سرمایه نمادین، گروه مرجع

مقدمه و بیان مسأله

در سال‌های اخیر بین کشورها برای جذب نخبگان و توسعه روش‌های به کارگیری دانش آنان رقابت شدیدی به وجود آمده است. تحقیقات گوناگونی بر افراد نخبه و جنبه‌های مختلف زندگی آنان انجام شده است. علاقه روزافزون دانشمندان به تحقیق بر روی این افراد حاکی از اهمیت و نقشی است که در پیشرفت جوامع داشته‌اند. به عبارت دیگر توجه روزافزون جوامع نسبت به شناسایی و آموزش و پرورش نخبگان ناشی از تشخیص این است که افراد نخبه می‌توانند برای مشکلات جامعه راه‌حل‌های منطقی بیندیشند و از به وجود آمدن بحران‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جلوگیری کنند و یا در صورت وقوع آن‌ها را کاهش داده و مهار کنند. «اطلاعات و دانش نخبگان جای مزیت‌های نسبی مبتنی بر مواد خام و صناعی مانند فولاد و نفت را گرفته است. در واقع قابلیت و شایستگی اساس اصلی سازمان‌ها را تشکیل می‌دهد. این قابلیت‌ها با جذب نخبگان جدید، توسعه نخبگان موجود و حفظ و نگهداری آن‌ها شکل می‌پذیرد. از این رو کشورها تمایل بیشتری به جذب نخبگان دارند و به همین سبب است که عصر دانش را به تعبیری «جنگ برای نخبگی» می‌نامند. لذا کشورها برای جذب نخبگان در رقابتند و نخبگان هم به دنبال محیط کاری مناسب‌تر و جذاب‌تر هستند» (صالح غفاری و افجه، ۱۳۹۲: ۸۱).

نهادهای علمی بنیادی برای رشد و توسعه جامعه و کشور محسوب می‌شوند و رکن اساسی این نهادهای علمی نخبگان هستند بنابراین باید یک تعامل دوسویه میان آن‌ها وجود داشته باشد. نخبگان برای کسب موفقیت، علاوه بر استعداد منحصر به فرد، تلاش و انگیزش شخصی، نیازمند اجتماعی هستند که از آن‌ها حمایت کند و پشتیبان آن‌ها باشد. بنابراین جامعه باید اقدام به بسترسازی اجتماعی کند و زیر ساخت‌های رشد و پرورش علم و نخبگان علمی را پی‌ریزی نماید. هر چند مهاجرت نخبگان انتخابی شخصی و فردی است اما شرایط ساختاری و نهادی علم نیز در این مسأله و

تصمیم‌گیری مؤثر است. «میزان پایین نهادینه بودن علم، شرایط افزایش مهاجرت نخبگان علمی را فراهم می‌کند. جوامعی که میزان نهادمندی علمی بالاتری دارند، کمتر با این پدیده روبه‌رو هستند» (قناعی‌راد، ۱۳۸۱: ۲۰۵). در واقع هر کشوری برای رسیدن به پیشرفت و توسعه مورد نظر خویش، نیازمند توجه ویژه به نخبگان و پرورش آنان است، در این راه عوامل زیادی تأثیرگذارند که توجه به آنان امری ضروری در پرورش نخبگان و به ویژه جلوگیری از مهاجرت آنان است.

با مهاجرت کم نخبگان از کشورهای پیشرفته به کشورهای در حال توسعه، کشور در حال توسعه باید هم نخبگان را برای دسترسی به موفقیت‌های علمی تربیت کند و هم در کشور حفظ نماید. «ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که نخبگان زیادی در کشورهای در حال توسعه به دنیا می‌آیند اما مهاجرت نخبگان بسیاری در کشورهای در حال توسعه انجام می‌شود. ۸۰ درصد نخبگان کشورهای در حال توسعه اکنون در کشورهای پیشرفته اقامت دارند» (Weinberg, 2011:95). این در حالی است که افزایش اهمیت روزافزون دانش، خلاقیت و نوآوری در توسعه پایدار واقعیت مسلمی است که یک جامعه با محوریت دانش و مبتنی بر دانایی با آن مواجه می‌باشد (عزیزی، ۱۳۹۲: ۸). طبق یک برآورد، حدود ۴۰۰۰۰۰ دانشمند و مهندس کشورهای در حال توسعه (حدود ۳۰ تا ۵۰ درصد کل آنان) در مراکز تحقیق و توسعه کشورهای صنعتی مشغول به کار هستند. اکثر فارغ‌التحصیلان دوره دکتری در رشته‌های

مهندسی در مراکز آموزش عالی آمریکا را خارجیان تشکیل می‌دهند (رضایی و درتاج، ۱۳۹۱: ۱۵۰). در کشور ما نیز مسأله مهاجرت نخبگان از کشور در اواخر دهه ۱۳۷۰ مطرح شد و برای حل این مشکل خط‌مشی‌هایی از سوی دولت تعیین و به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ گردید اما با وجود این خط‌مشی‌ها و اجرای آن توسط سازمان‌های مختلف متأسفانه ما شاهد مهاجرت نخبگان زیادی از کشورمان هستیم. «به طوری که بر اساس آمارهای صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۱۱، ایران در بین ۹۱ کشور در حال توسعه رتبه اول

مهاجرت نخبگان را به خود اختصاص داده است» (دهقان، ۱۳۸۲: ۲۲۰).

گریز نخبگان زمانی به یک مسأله اجتماعی تبدیل می‌شود که آثار زیان‌بار آن در دراز مدت بر حیات اجتماعی جامعه سنگینی کند، به خصوص در شرایط کنونی که جامعه ما نیازمند شناخت علمی جنبه‌های مختلف اجتماعی و حل مشکلات و حرکت در جهت پیشرفت است. بنابراین مهاجرت نخبگان از استان‌های توسعه نیافته موجب کند شدن روند رشد و توسعه کشور و استان می‌گردد به طوری که با توجه به منابع در دسترس نظیر بنادر مهم اقتصادی، صنعتی و تجاری و همچنین نعمت دریا و سایر منابع طبیعی که در استان هرمزگان وجود دارد همچنان این شهر از لحاظ توسعه یافتگی در جایگاه مناسبی قرار ندارد. برای مثال دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی متعددی در منطقه تأسیس شده است و در همسایگی کشورهای ثروتمند خلیج فارس قرار دارد اما هنوز به صفت توسعه یافته ملقب نشده است. در این مناطق به دلیل نبود سرمایه کافی و عوامل بی‌شمار دیگر، بخش قابل توجهی از نیروی انسانی نخبه از پرورش و توسعه محروم مانده و شکوفا نشده باقی می‌مانند. بخش دیگر افراد نیز به دلیل محدودیت امکانات به فکر مهاجرت به مکان‌های دیگر هستند. استان هرمزگان یکی از مهاجرپذیرترین استان‌های کشور است و میزان مهاجرفرستی آن نسبت به سایر استان‌ها بسیار کم است اما در این میان، مهاجرت نخبگان از استان در محافل دانشگاهی و غیر دانشگاهی به عنوان مسأله اساسی در سطح استان مطرح است لذا در این پژوهش کوشش بر این است که علل گریز نخبگان بررسی شود و همچنین به منظور نگهداشت نخبگان و استفاده صحیح و مناسب از ظرفیت‌های علمی آنان در جهت توسعه استان، زیرساخت‌ها و شرایط لازم را برای پرورش و بالندگی نخبگان، شناسایی شود و از سوی دیگر، آسیب‌های اجتماعی و چالش‌های اساسی آن‌ها شناسایی شود و راهکارهای لازم در جهت کنترل و کاهش مهاجرت نخبگان از استان ارائه گردد. در این راستا پاسخگویی به چند

پرسش زیر مسأله اساسی پژوهش حاضر است:

- از دیدگاه نخبگان مورد مطالعه، چه عوامل و بسترهای اجتماعی، زمینه ساز کسب نخبگی آن‌ها شده است؟

- میزان تمایل به مهاجرت در بین نخبگان شهر بندرعباس چگونه است؟

- آیا می‌توان با استفاده از دیدگاه نخبگان جامعه مورد مطالعه، آن دسته از عوامل اجتماعی را که بر وضعیت تمایل به مهاجرت آن‌ها مؤثر است شناسایی کرد و به عواملی که نقش و اثر اساسی تری دارند دست یافت

- چه راهبردهایی را می‌توان برای جلوگیری از مهاجرت و حفظ نخبگان این شهر ارائه داد؟

بررسی پیشینه تجربی تحقیق

مروری بر تحقیقات تجربی داخلی و خارج از کشور درباره مهاجرت نخبگان می‌تواند محقق را در تبیین چارچوب نظری تحقیق یاری کند. مطالعات زیادی برای شناسایی علل مهاجرت نخبگان و همچنین منافع و مضراتی که متوجه کشورهای در حال توسعه است در خارج و داخل کشور صورت گرفته است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

قانع‌راد در سال ۱۳۸۱، در مقاله‌ای با عنوان «نهادینه شدن علم، نگهداری و استقرار مغزها» به بررسی مسأله مهاجرت نخبگان علمی و فرار مغزها در ایران پرداخته است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که تحلیل پدیده مهاجرت نخبگان علمی و فرار مغزها بدون شناخت شرایط نهاد علم در ایران ممکن نیست، مهاجرت یا فرار مغزها هر چند تا حدی با شرایط جهانی علم رابطه دارد و حتی در برخی از کشورهای پیشرفته نیز این پدیده مشاهده می‌شود ولی سطح کنونی آن در جامعه ما تا حد زیادی بیانگر ضعف نهاد علم یا نهادینگی ناقص دانش در ایران است.

همچنین جواهری و سراج‌زاده (۱۳۸۴)، در تحقیقی با عنوان «جلای وطن: بررسی عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به مهاجرت به خارج از کشور» برخی عوامل مؤثر بر گرایش

نفت را بررسی کرده است. نتایج نشان می‌دهد که فلسفه طرح با هدف‌های کلان سازمانی، مطابقت دارد و در راستای یکدیگرند. معیارها و روش‌های شناسایی و انتخاب افراد بسنده نبوده است و نیاز به بازنگری دارد و در بعد فرآیند اجرای طرح، مشکلات و نارسایی‌هایی وجود دارد، رضایت شغلی و تعهد سازمانی افراد ممتاز کمتر از متوسط و متوسط است.

طهماسبی و همکاران (۱۳۹۱)، در تحقیقی با عنوان «مدیریت استعدادها: شناسایی و رتبه‌بندی عوامل موثر بر جذب و نگهداشت استعدادهای علمی» بر نقش ارزشمند استعدادهای در سازمان تأکید کرده‌اند و مدیریت مطلوب آن‌ها را بسیار مهم و حساس تلقی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که عامل جو تحقیق و پژوهش بیشترین تأثیرگذاری را در جذب استعدادهای در دانشگاه تهران دارد. جو تحقیق و پژوهش در دانشگاه عوامل مختلفی را در بر می‌گیرد از جمله: منابع کافی برای انجام کار علمی، ارزش قائل شدن برای فرصت کافی تحقیق و پژوهش و غیره.

کاجیورا^۱ (2008)، به بررسی عوامل سوق‌دهنده و بازدارنده مهاجرت نخبگان ژاپنی پرداخته است. وی بیان می‌کند که محققان با تجربه و نخبه ژاپنی به خصوص آن‌هایی که مدرک دکتری در رشته علوم و مهندسی در ایالت متحده أخذ کرده‌اند خواهان اقامت در همان جا هستند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که تغییرات فرهنگی و اقتصادی که ژاپن از طریق جنگ جهانی دوم تجربه کرده، بسیار جدی است اما سیستم‌های اجتماعی قادر به پاسخگویی سریع به این تغییرات نیستند. ارزش سنت‌ها و احترام به فرهنگ ژاپن اهمیت خود را از دست داده است. بنابراین تغییرات سریع و عمیق اجتماعی و فرهنگی باید در پیش‌برد سیستم‌های جدید کسب و چرخش مغزها در نظر گرفته شوند.

وینبرگ^۲ (2011)، در مطالعه خود با عنوان «علوم پیشرفته: عملکرد علم و مهاجرت نخبگان در دنیای در حال

دانشجویان به مهاجرت به خارج از کشور را بررسی کردند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد نقش دو متغیر «پابندی به جامعه ملی» و «دینداری» به عنوان عوامل بازدارنده و «نگرش انتقادی نسبت به شرایط کنونی و آتی جامعه» به عنوان عوامل ترغیب‌کننده گرایش به مهاجرت، از نظر آماری تأیید شده است. همچنین نتایج نشان داده است که گرایش به مهاجرت در مردان بیش از زنان و در پایگاه اقتصادی اجتماعی بالا بیش از پایگاه پایین است.

در مطالعه‌ای دیگر با عنوان «جوانان، جهانی شدن و مهاجرت‌های بین‌المللی» که توسط ذکایی در سال ۱۳۸۵ انجام شده است، در این تحقیق محقق با استفاده از مفهوم نوگرایی بازاندیشانه متفکران مدرن و پست مدرن و رویکرد نظریه‌مبنایی به دنبال روشن ساختن تفسیر، معنا و اهمیت رفتار مهاجرتی نخبگان جوان بر هویت‌یابی و انگیزه‌ها و زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی موثر بر این رفتار است. نتایج این پژوهش بیانگر تأثیر آشکار فرآیند جهانی شدن و ارزش‌های جهان وطنی بر گرایش‌ها و ارزش‌های این گروه از جوانان است. به همان سان در سطح فردی تمایل به حفظ سلیقه‌ها و سبک‌های فردی زندگی و ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای و تحصیلی و نیاز به اثبات توانایی‌های فکری و حرفه‌ای محرک مهمی در انتخاب رفتارهای مهاجرتی محسوب می‌شود.

نتایج مطالعه‌ای که توسط طالبی زیدی و رضایی در سال ۱۳۸۸، در این باره در دانشگاه مازندران صورت گرفته است نشان می‌دهد که هر چه تفاوت فرصت‌های اقتصادی - رفاهی بین مناطق مختلف کشور بیشتر باشد، میل مهاجرت به کلان شهرها بیشتر می‌شود. همچنین بین مهاجرت نخبگان و فراهم شدن زمینه‌های پیشرفت و رسیدن به یک وضعیت مطلوب اقتصادی رابطه معناداری وجود دارد. بر اساس نتایج به دست آمده، مهاجرینی که تحصیلات عالی بالاتری دارند، نسبت به سایر قشرها از تحرک جغرافیایی بیشتری برخوردارند.

میر سپاسی و همکاران (۱۳۸۹)، به منظور آسیب شناسی طرح جذب و نگهداری نخبگان، مدیران ممتاز شرکت ملی

¹ Kajjura

² Weinberg

یافتن شغل و حقوق بهتر در جای دیگر شده است، تأکید کرده‌اند. بر اساس نتایج، مهم‌ترین عواملی که موجب مهاجرت پزشکان نخبه یونانی می‌شود عبارتند از: نبود استخدام، تشویش‌های شغلی، کاهش درآمد، مالیات‌های زیاد و محدودیت‌های بودجه‌ای برای مؤسسات تحقیقی است.

پیشینه نظری تحقیق

موضوع پرورش و مهاجرت نخبگان به دلیل اهمیت و تأثیری که نخبگان در پیشرفت علم و توسعه جوامع دارند، از موضوعات دامنه‌داری است که با دیدگاه‌های متفاوت بررسی و تحلیل شده است و ادبیات نظری مختلفی را در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به خود اختصاص داده است.

ولمن (1990) معتقد است پیوندهای مختلف در یک شبکه، حمایت‌های اجتماعی را فراهم می‌کنند. بدین معنا که فرد منحصراً نمی‌تواند بر یک یا دو شخص برای دریافت حمایت‌های اجتماعی متفاوت تکیه داشته باشد بلکه باید تنوع روابط خود را حفظ کند تا بتواند از تمامی حمایت‌های مورد نیاز برخوردار شود. افرادی را که فرد واقع در مرکز شبکه، با آنان در تماس است، دیگران نامیده می‌شوند و روابط واقعی و موجود، پیوند خوانده می‌شود (ولمن و ورسلی، ۱۹۹۰، به نقل از: باستانی، ۱۳۸۶: ۶۷). یک شبکه فردی تمامی تماس‌های یک فرد با خویشاوندان نزدیک و دور، دوستان، همسایگان، همکاران و آشنایان را در بر می‌گیرد. منابعی که در این پیوندها بین کنشگران رد و بدل می‌شوند و با عنوان حمایت اجتماعی از آن‌ها یاد می‌شود، به عنوان کارکرد شبکه مورد توجه قرار می‌گیرند. بنابراین شبکه‌های ارتباطی به عنوان منبع ارزش آفرین (یا سرمایه) برای نخبگان محسوب می‌شوند که حمایت‌های اجتماعی آن‌ها در رشد و پرورش و کسب نخبگی آنان می‌تواند مؤثر باشد.

هایس^۳ (2000)، اصطلاح سرمایه فرهنگی را بازنمای جمع نیروهای غیراقتصادی مثل زمینه خانوادگی، طبقه

توسعه» به رابطه پیشرفت کشورها و نیازمندی آن‌ها به تربیت و آموزش دانشمندان و ایجاد جامعه علمی قوی تأکید نموده است.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که دموکراسی و شهری شدن مرتبط با تربیت دانشمندان برجسته است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که کشورهایی که صادرات و واردات کالاهای تولیدی و تعهد پرداختی و پول دریافتی دارند، دانشمندان برجسته بیشتری را تربیت می‌کنند. برعکس کشورهایی که مواد خام صادر می‌کنند، دانشمندان برجسته کمتری تربیت می‌کنند. کشورهایی هم که دارای تعهدات پرداختی و دریافتی زیادی هستند نیز مهاجرت نخبگان کمتری را تجربه می‌کنند.

بیاندو و همکاران^۱ (2012) در مطالعه‌ای با عنوان «تمایل به بازگشت: تئوری‌ها و دلایل مهاجرت نخبگان ایتالیایی» به تأثیرات منفی که مهاجرت نخبگان در ایتالیا می‌تواند داشته باشد و به بازگشت مهاجران به عنوان جنبه مثبت مهاجرت نخبه‌ها تأکید می‌کنند. یافته‌ها حاکی از آن است که بیش از ۷۰ درصد پاسخگویان تمایل کم و یا هیچ تمایلی به بازگشت به ایتالیا نشان نمی‌دهند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که عوامل مؤثر در افزایش مهاجرت از ایتالیا را می‌توان در رضایت به دست آمده از موقعیت شغلی خارج، نبود انگیزه برای بازگشت که از شرایط دانشگاه‌های ایتالیا حاصل می‌شود و کیفیت زندگی در خارج که با کیفیت زندگی در ایتالیا مقایسه می‌شود، دانست. همچنین به دلیل شرایط ساختاری بازار کار است که ایتالیا فاقد جریان‌های بازگشت نخبگان مهاجر است.

در پیمایشی دیگر که در سال ۲۰۱۴ توسط ایفانتی و همکاران^۲ با عنوان «مهاجرت پزشکان نخبه در یونان» صورت گرفته است، بر این نکته که بحران مالی یونان و تأثیر آن بر جامعه موجب خروج انبوه نخبگان و پزشکان متخصص برای

¹ Biondo et al.

² Ifanti et al.

³ Hayes

معنای ارزیابی پایدار از ابعاد مختلف دنیای اجتماعی است (Baron, 1997:46). گرایش مجموعه ارزیابی‌هایی است که به طرز پیچیده به باورها، احساسات و رفتار آدمی مربوط است و شامل همه چیز از جمله مردم، اعمال، رویدادها، سیاست‌ها و خوردنی‌ها می‌شود. گرایش راهنمای اندیشه و رفتار است (Sabini, 1995:528).

یکی از مهم‌ترین تئوری‌ها در زمینه گرایش، توسط فیش باین و آیزن ارائه شده است. آن‌ها در پی یافتن تئوری برای تبیین رفتار به نقش گرایش اشاره می‌کنند. مطالعات این دو پژوهشگر به امکان پیش‌بینی دقیق‌تر رفتارها از طریق گرایش‌ها منجر شده است. به عبارت دیگر، آنان نشان داده‌اند که چه وقت و چگونه گرایش‌ها بر رفتار مؤثر واقع می‌شوند. به نظر این دو نظریه‌پرداز، رفتار عقلانی، رفتاری است هدفمند که بر پایه به کارگیری ابزارهای مناسب، ارزیابی نتایج احتمالی و برآورد سود و زیان حاصل از آن شکل گرفته است. رفتار عقلانی در وهله اول تابع قصد و نیت آدمی است. گرایش‌ها و هنجارهای ذهنی از طریق تأثیری که بر قصد و نیت می‌گذارند، رفتار انسان را هدایت می‌کنند. برآورد نتایج احتمالی انجام یک عمل و ارزیابی آن نتایج، گرایش انسان را تعیین می‌کند. البته اهداف، نیازها و ارزش‌ها هم به نوبه خود تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر شکل‌گیری گرایش دارند. هنجارهای ذهنی به فضای ادراک فرد از چیزی است که دیگران مهم در مورد انجام یک عمل خاص، آن را با اهمیت می‌دانند (Buman & May, 2001:580-583).

چارچوب نظری تحقیق

در ارتباط با موضوع پرورش و گریز نخبگان نظریه‌های متعددی ارائه شده است. هر یک از این نظریات می‌تواند بخشی از موضوع را توضیح دهد و نمی‌تواند تمامی ابعاد مسأله را تبیین نماید. بنابراین ارائه نظریات مختلف و ترکیب آن‌ها با یکدیگر می‌تواند ما را در دستیابی به تبیین جامع‌تر مسأله یاری رساند.

اجتماعی، سرمایه‌گذاری‌های گوناگون و تعهدات نسبت به تعلیم و تربیت، منابع مختلف و مانند آن‌ها می‌داند که بر موفقیت آکادمیک (علمی یا تحصیلی) تأثیر می‌گذارد. سرمایه فرهنگی مناسب به نخبگان فرصت‌های بهتری برای دستیابی به منابع و رشد و پیشرفت می‌دهد (تراسی، ۱۳۸۲: ۷۴).

در رویکرد «مارتینز تورس»^۱ ایجاد دانش و تداوم یادگیری و استفاده از آن در شرایط جامعه اطلاعاتی، بالاترین امتیاز رقابت محسوب می‌شود. تورس دانشگاه‌ها را از نمونه‌های اصلی سازمان علم می‌داند و معتقد است برای سازمان‌های علمی، شناخت سرمایه فکری^۲ مهم است زیرا عاملی کلیدی برای شناخت پتانسیل‌های بالقوه و بالفعل سازمان و در نتیجه برنامه‌ریزی برای رشد و پیشرفت سازمان است. در نظریه مارتینز تورس سرمایه فکری مشتمل بر سه بعد است: سرمایه انسانی، سرمایه ساختاری و سرمایه ارتباطی (Martinez-Torres, 2006:617-618). رشد سرمایه فکری یک سازمان (مدرسه، دانشگاه و...) می‌تواند عاملی اساسی در رشد و پرورش نخبگان باشد. براین اساس، سرمایه فکری موضوع مهمی نه تنها برای مجامع علمی بلکه برای دولت‌ها، قانون‌گذاران، سازمان‌ها، مؤسسات دولتی، سرمایه‌گذاران و سایر ذینفعان محسوب می‌شود.

با توجه به هدف تحقیق که بررسی زمینه‌های اجتماعی پرورش و گریز نخبگان است، لزوم توجه به نظریه‌های گرایش را نمایان می‌سازد. چراکه بررسی پدیده مهاجرت نخبگان به دلیل عدم دسترسی به نخبگان مهاجر امکان‌پذیر نیست و نمی‌تواند به عنوان منبعی برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز در تحقیق باشد. از این‌رو توجه به گرایش افراد با فرض این‌که گرایش پیش زمینه رفتار است، می‌تواند در شناخت عوامل مؤثر بر مهاجرت نخبگان و ارائه راهکارهایی برای کنترل و کاهش این پدیده نقش مهمی را ایفا کند.

در تعریف مفهوم گرایش، نوعی آمادگی فکری، عاطفی و رفتاری برای انجام یک کار خاص است. در واقع گرایش به

¹ Martinez-Torres

² Intellectual capital

هستند که در انحصار این میدان قرار می‌گیرد. سرمایه‌های اصلی مورد منازعه در این میدان سرمایه اجتماعی، فرهنگی و نمادین است. در این فضای کلی می‌توان به طور همزمان تأثیر و نقش انواع سرمایه فرهنگی، اجتماعی و نمادین در پیدایش و مهاجرت نخبگان را بررسی کرد.

بر اساس دیدگاه بوردیو علاوه بر عوامل اقتصادی، عادت‌واره فرهنگی و خصلت‌های به ارث برده شده از خانواده هستند که نقش بسیار مهمی در موفقیت‌های تحصیلی ایفا می‌کنند. در الگوی بوردیو این مسأله این گونه بیان می‌شود که «کودکان، پیش از مدرسه و در درون خانواده، درجات گوناگونی از توانایی فرهنگی از جمله اطلاعات و مهارت‌ها را به دست می‌آورند. در این بین، کودکان طبقه فرادست به میزان سرمایه‌گذاری پدر و مادرشان در سرمایه فرهنگی بهتر بار می‌آیند و در مقایسه با کودکان طبقات فرودست، امکان موفقیت بیشتری برایشان فراهم است. در واقع، از نظرگاه بسیار انتقادی بوردیو، نظام‌های تعلیم و تربیت مدرن در اعتباربخشی و ارتقای سرمایه فرهنگی در کودکانی که سرمایه فرهنگی زیادی از والدینشان به ارث برده‌اند، به نسبت کودکانی که هنگام ورود به نهادهای تعلیم و تربیت از مهارت و خصلت‌های اندک و ناچیزی برخوردارند، بسیار کارآمدتر عمل می‌کنند (ادگار و سجویک، ۱۳۸۸: ۵۴۰). ویژگی بارز نظریه سرمایه فرهنگی بوردیو تحلیل ساز و کار موفقیت‌های تحصیلی با عنایات به میزان برخورداری گروه‌ها و طبقات اجتماعی از این سرمایه است. دانش‌آموزانی که سرمایه فرهنگی بیشتری دارند - دانش‌آموزان خانواده‌هایی که مهارت‌ها و برتری‌های فرهنگی مسلط را در اختیار دارند - بهتر می‌توانند قواعد بازی را رمزگشایی کنند و بهتر می‌توانند مهارت‌ها و برتری‌های فرهنگی را که در مدارس پاداش می‌گیرند، در خود پرورش دهند. بنابراین بهتر می‌توانند به سطوح بالای تحصیلی برسند. بر این اساس می‌توان گفت که طبقات مسلط نسبت به سایر طبقات سهم بیشتری از سرمایه فرهنگی می‌برند و لذا بیشتر قادرند این نوع سرمایه را در فرزندان‌شان به ودیعه بگذارند. با افزایش سرمایه فرهنگی در نزد طبقات متوسط عملکرد تحصیلی

در جهان معاصر برای بررسی مسائل اجتماعی نمی‌توان فقط یک عامل را بررسی کرد زیرا هم افراد و هم ساختار جامعه هر دو بر روند تحولات و مسائل اجتماعی تأثیرگذار هستند. این پژوهش نیز برای بررسی زمینه‌های اجتماعی پرورش و گریز نخبگان به نقش متقابل عاملیت و ساختار تأکید دارد. بر اساس نظریه «عاملیت - ساختار» در تحولات هر جامعه، هم متغیرهای مربوط به عاملیت انسانی همچون نخبگان و هم متغیرهای مربوط به ساختارها نقش دارند. به نظر گیدنز «کنش‌های عوامل انسانی در تعامل با ساختارها و نهادها موجب تحولات جامعه می‌شوند» (Giddens, 1984). دنیای معاصر دچار بحران‌ها و مسائل گوناگونی است اما به تعبیر گیدنز یکی از ویژگی‌های بنیادین دنیای مدرن که به آن امکان بازسازی و رهایی از این بحران را می‌دهد، توانایی باز اندیشی است (ریترز، ۱۳۸۱: ۷۳۸). به بیان دیگر، باز اندیشی معرف مرحله‌ای از پیچیدگی ساختار اجتماعی و آرایشی جدیدی از جانب افراد به عنوان کنشگران انفرادی در مقابل نیروهای ساختی جامعه است. در دنیای حاضر که دائماً در حال تغییر است، انسان‌ها به کسب دانش و آگاهی از خویش نیازمندند. زیرا «انسان مدرن در طی زندگی خود جابه جایی زیست جهان‌های مختلف را تجربه می‌کند. زندگی مدرن تجربه چندگانگی را ذاتی آگاهی فرد می‌سازد» (محدثی، ۱۳۸۶: ۸۸). با توجه به شرایط کنونی دنیای معاصر به نظر می‌رسد نخبگان به این دلیل مهاجرت می‌کنند که بتوانند به هویت جدید دست یابند و همچنین پاسخگوی بخشی از نیازهای هویتی خویش باشند.

رویکردهای نظری بوردیو می‌تواند در تحلیل زمینه‌های اجتماعی پرورش و گریز نخبگان به ما کمک کند. بر اساس دیدگاه بوردیو اگر قلمرو نخبگان علمی را به صورت یک میدان علمی در نظر بگیریم، می‌توان گفت میدان نخبگان، یک میدان فرا نهاد یا چند نهادی است که انواع موقعیت‌های نخبگان را در فضای کلی خود به عنوان مجموعه‌ای از روابط متقابل دربرمی‌گیرد. نخبگان علمی تولید کننده محصولی

فرزندان افزایش می‌یابد. به دلیل ارتباط متقابل نظام آموزشی و بازتولید فرهنگی می‌توان نتیجه گرفت که نظام آموزشی تمام ساختارها، ترجیحاً ساختار توزیع سرمایه فرهنگی را در بین طبقات بازتولید می‌کند (رضایی و تشویق، ۱۳۹۲: ۴). بر اساس نظر بوردیو می‌توان گفت، انتخاب راهکارهای سرمایه‌گذاری فرهنگی مناسب، در خانواده نقش مهمی در فراگیری بهتر آموزش و اندوخته‌های افراد دارد. بنابراین می‌توان گفت نخبگان در اجتماع‌های علمی به دنبال ارتقای سرمایه‌های فرهنگی و نمادین خویش و حفظ تمایز خویش هستند.

یکی دیگر از متغیرهای مورد بحث در پژوهش حاضر سرمایه اجتماعی است. بر اساس تعریف بوردیو، سرمایه اجتماعی، حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه با دوامی از روابط نهادی شده بین افراد و به عبارت ساده‌تر، عضویت در یک گروه است. سرمایه اجتماعی، سرمایه و منابعی است که افراد و گروه‌ها از طریق پیوند با یکدیگر می‌توانند به دست آورند؛ پیوندهای شبکه‌ای نیز باید از نوع خاصی باشند یعنی مثبت و مبتنی بر اعتماد. لذا می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی دارای دو جزء اعتماد و پیوند است (شارع‌پور، ۱۳۸۰: ۱۰۳). نخبگان به عنوان بخشی از جامعه که بیشترین میزان مشارکت اجتماعی را دارند به دلیل شرایط شغلی و حرفه‌ای خود نیازمند این دو عنصر کلیدی یعنی اعتماد و پیوندهای اجتماعی هستند. پیوندهای بین شخصی همراه با اعتماد برای دسترسی به منابع در پرورش نخبگان موثر است.

شبکه‌های روابط، سازنده یک منبع ارزشمند برای اعضای خود به منظور انجام امور اجتماعی هستند، عضویت در این شبکه‌ها سبب می‌شود که فرد نخبه با استفاده از این روابط به منابعی دسترسی پیدا کند که باعث می‌شود موفقیت‌ها و پیشرفت‌هایی کسب کند. همچنین سرمایه اجتماعی نهفته در ساخت روابط بین کنشگران، شیوه‌ای را برای به تحرک در آوردن و دسترسی به منابع اجتماعی جدید فراهم می‌سازد که می‌تواند بر تصمیم فرد به مهاجرت تأثیر گذار باشد. علاوه بر

این تضعیف پیوندها در شبکه‌های اجتماعی که سبب کاهش سرمایه اجتماعی می‌شود خود می‌تواند بر گرایش نخبگان به مهاجرت تأثیرگذار باشد. به این ترتیب در می‌یابیم که سرمایه اجتماعی کمک می‌کند تا پتانسیل‌ها و استعدادهایی که پراکنده و به صورت فردی در اختیار افراد جامعه است یعنی همان سرمایه انسانی و فرهنگی به شکل جمعی برای رشد و پرورش افراد به کارگرفت. سرمایه اجتماعی هم می‌تواند توضیح‌دهنده چگونگی پرورش نخبگان باشد و هم می‌تواند چارچوب شناختی و ذهنی برای آن‌ها مهیا سازد که توضیح دهنده رفتار مهاجرتی آنان باشد. پیوندهای بین شخصی همراه با اعتماد برای دسترسی به منابع در موفقیت نخبگان مؤثر است. همچنین سرمایه اجتماعی نهفته در ساخت روابط بین کنشگران، شیوه‌ای را برای به تحرک در آوردن و دسترسی به منابع اجتماعی جدید فراهم می‌سازد که در گرایش نخبگان به مهاجرت می‌تواند مؤثر باشد. همان‌طور که «مطالعات مرتبط در ایران نشان داده است سرمایه اجتماعی در سال‌های اخیر در حال فرسایش بوده و این فرسایش در ارتباط با تحصیل‌کردگان و متخصصان جامعه بیشتر بوده که این امر خود گرایش به مهاجرت را در بین اقلیت تحصیل‌کرده بیشتر کرده است» (ذاکر صالحی، ۱۳۸۶: ۱۰۵).

از دیگر نظریه‌های جدیدی که در تحلیل پرورش و گریز نخبگان قابل تأمل است، نظریه حلقه‌های فکری و سرمایه فرهنگی رندال کالینز است. اگر بر اساس دیدگاه کالینز واحد اصلی زندگی نخبگان را شبکه نخبگان بدانیم و شبکه‌های نخبگان را به مثابه اجتماع‌هایی مشتمل بر مواجهه‌های چهره به چهره افراد یا تفسیرهای متنی آنان در نظر بگیریم. فعالیت نخبگان با قرار گرفتن در موقعیت نهادی‌ای که آن را به انجام می‌رساند فهم می‌شود، موقعیت‌هایی نظیر مدرسه و دانشگاه. از نظر کالینز رشد علم در گروه ظهور و تداوم حلقه‌های فکری مثابه «اجتماع‌های علمی» است. هسته محوری اجتماع‌های علمی «زنجیره مناسک تعامل^۱» است.

^۱ Interaction ritual chains

به امور مقدس گروه و شخصیت‌های آیینی تبدیل می‌شوند. این شخصیت‌ها و حتی نام آن‌ها تبدیل به واژه مختصری برای بیان نظام کلی اندیشه‌ها می‌شوند. الگو گرفتن از این قهرمانان آیینی و انگیزش فرد برای این‌که خودش به یکی از این قهرمان‌ها تبدیل شود، یک «نیروی انرژی‌زا»^۳ در زندگی فکری است. یک زنجیره پیوند از نخبگان خلاق به سوی دیگران وجود دارد و اشخاص جوان‌تر (تازه واردها) از اشخاص مسن‌تر (استادان) به عنوان قهرمانان نمادین انرژی می‌گیرند. این ارتباط بر حسب حالت اجتماع علمی (دارای جهت‌گیری مدرسی یا خلاق) به مریدی وفادارانه یا رویه‌های خلاق می‌انجامد.

جایگاه فرد بر روی شبکه اجتماعی به عنوان یک کل «ساختار فرصت»^۴ او را تعیین می‌کند. جایگاه فرد و آنچه نزدیک و در دسترس اوست، نوع سرمایه فرهنگی او را تعیین می‌کند. فرصت‌های افراد برای همبستگی یا رقابت، در مرکز گرم یا در حاشیه تاریخ قرار داشتن، دیدن شبکه به عنوان یک کل تعیین می‌شود و کمتر به ویژگی افراد بستگی دارد. شبکه اجتماعی، دارای ساختار نامتوازن فرصت‌هاست و امکانات متفاوتی را به افراد عرضه می‌کند. کالینز تفاوت شخصیت‌ها را با تفاوت شدت انرژی عاطفی آن‌ها توضیح می‌دهد. انرژی عاطفی، با ایجاد انگیزش‌های اجتماعی، پویایی رفتار افراد را فراهم می‌کند. رفتار افراد به مشارکت آن‌ها در ساختار اجتماع محلی یا شبکه‌های ارتباطی بستگی دارد که به نوبه خود ساختار فرصت آنان را می‌سازد. نخبگان به عنوان فعالان فضای علم در درون اجتماع‌های علمی با انرژی عاطفی بالا درگیر مباحث نظری می‌شوند که نتیجه آن رشد و پویایی علم در درون حلقه‌های فکری به مثابه اجتماع‌های علمی است.

ساختار اجتماع علمی همچون یک بازار دارای امکانات، دسترسی‌ها، مذاکرات، معاملات، همکاری‌ها و رقابت‌های

در درون این اجتماع‌های علمی، کنشگران عضو از میزان بالای انرژی عاطفی^۱ و سرمایه فرهنگی برخوردارند که آن‌ها را برای تداوم تعاملات علمی در درون این اجتماع‌ها همواره آماده نگه می‌دارد.

از دیدگاه کالینز، خلاقیت، مستلزم فعالیت و انرژی عاطفی در کاربرد سرمایه فرهنگی است. کاهش تراکم شعائری یک پیش شرط نوآوری است ولی در عین حال باید از حمایت متناوب مراسم اجتماعات علمی برخوردار باشد تا محتوا و انرژی آن تقویت گردد. انرژی عاطفی، نوسانات انگیزه خلاق را توصیف می‌کند. داشتن انرژی عاطفی، فرد را قادر می‌سازد که در مراکز توجه قرار گیرد. متغیر اساسی این است که افراد تا چه حدی در این فعالیت‌های نمادین مشارکت داشته باشند. جریان‌های انرژی عاطفی، تراکمی‌اند و از دو سو به غنای انرژی یا افسردگی و انفصال از اجتماع محلی می‌انجامد. نتیجه انرژی عاطفی خلاقیت است که خود حاصل تعامل‌های مستقیم با سایر نخبگان است. انرژی عاطفی، علاوه بر تجربه واقعی، از تجربه جانشین ناشی می‌گردد. در این صورت فرد به جای اجتماع علمی واقعی، از اجتماع علمی جانشین، تأثیر می‌پذیرد. تجربه اجتماع علمی جانشین، همان نوشتن، خواندن و اندیشیدن درباره موضوعات فکری است. کالینز این را، «اجتماع جانشین ذهن»^۲ می‌نامد. بنابراین عضویت در اجتماع جانشین نیز به افزایش انرژی عاطفی و به خلاقیت فکری می‌انجامد.

چرخش نمادها یا سرمایه فرهنگی، خود انرژی‌زا بوده و بر حسب میزان و سرعت این چرخش، میزان خلاقیت در اجتماع علمی نیز افزایش می‌یابد. شخصیت‌ها یا نخبگان برجسته در اجتماع علمی، نیز، یک ارزش نمادین دارند و به افزایش انرژی عاطفی در جامعه کمک می‌کنند. وقتی اجتماع علمی در مورد اندیشه‌های مطرح شده به وسیله برخی از رهبران فکری، از توافق بالایی برخوردار باشد، آن اشخاص

³ Energy Force

⁴ Opportunity Structure

¹ Emotional Energy

² Mind Surrogate Social

خاص خود است و انتخاب افراد در این بازار، با توجه به ساختار شبکه، ساختار فرصت‌ها و سرمایه فرهنگی و انرژی عاطفی آن‌ها، محدود می‌گردد. عضویت در شبکه هسته‌ای با مولد بودن همبستگی دارد زیرا این عضویت، انتقال سریع سرمایه فرهنگی را تسهیل می‌کند. شرکت در رقابت فکری، نیازمند سطوح بالای سرمایه فرهنگی و انرژی عاطفی است که به نوبه خود، حاصل مشارکت‌شان در شبکه اجتماعی هسته است. کسانی که از طریق تجربیات قبلی، مریبان خود و مشارکت‌شان در شبکه اجتماعی هسته‌ای به سرمایه فرهنگی دسترسی خوبی دارند، از سطح بالای انرژی عاطفی برخوردارند. آن‌ها با شور و شوق به رشته‌شان می‌چسبند، برای بهره‌برداری از فرصت‌هایشان، به سختی کار می‌کنند و از طریق شهرت و شناسایی، پاداش داده می‌شوند» (قانع‌راد، ۱۳۹۰: ۶۷-۶۵).

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌های اصلی

- به نظر می‌رسد بین سرمایه فرهنگی و پیدایش نخبگان رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین سرمایه اجتماعی و پیدایش نخبگان رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین سرمایه نمادین و پیدایش نخبگان رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین خانواده و پیدایش نخبگان رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین شبکه‌های اجتماعی و پیدایش نخبگان رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین سرمایه اجتماعی و گرایش نخبگان به مهاجرت رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین امنیت اجتماعی و گرایش نخبگان به مهاجرت رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین پنداشت از آینده و گرایش نخبگان به

مهاجرت رابطه وجود دارد.

- به نظر می‌رسد بین نهادمندی علم و گرایش نخبگان به مهاجرت رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین نگرش گروه مرجع نسبت به مهاجرت و گرایش نخبگان به مهاجرت رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی

- به نظر می‌رسد بین زنان و مردان نخبه از نظر گرایش به مهاجرت تفاوت وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین نوع رشته تحصیلی نخبگان و گرایش به مهاجرت تفاوت وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین سن نخبگان و گرایش به مهاجرت تفاوت وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

در این تحقیق برای بخش نخست کار، یعنی بررسی پیشینه و طرح چارچوب نظری از بررسی اسنادی استفاده شده است و با توجه به شرایط و موضوع بررسی، برای تولید داده‌های لازم جهت آزمون چارچوب نظری در مقطع خاص زمانی از روش پیمایشی - مقطعی استفاده شده است و از تکنیک پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. نوع تحقیق حاضر بر اساس هدف کاربردی است و چون تحقیق حاضر درصدد توصیف و تحلیل وضعیت بر اساس متغیرهای پیشنهادی تحقیق است. از این رو در زمره تحقیقات توصیفی - تحلیلی قرار می‌گیرد. جامعه آماری این پژوهش شامل دانش‌آموزان نخبه پیش دانشگاهی مدارس پسرانه و دخترانه تیزهوشان ناحیه یک و دو، استادان نخبه و دانشجویان استعداد درخشان دوره تحصیلات تکمیلی دانشگاه دولتی، پزشکان نخبه و محققان و پژوهشگران نخبه غیر دانشگاهی معرفی شده از طرف بنیاد نخبگان شهر بندرعباس است. کل نخبگان این طبقه‌ها برابر با ۲۶۷ نفر است که حدود ۱۴۰ نفر مرد و ۱۲۷ نفر زن هستند. با توجه به این‌که موضوع پژوهش حاضر، بررسی

هستند. در این تحقیق برای سنجش پرورش نخبگان از ۳ متغیر سرمایه فکری، خلاقیت و انرژی عاطفی استفاده شده است که در زیر تعاریف مفهومی و عملیاتی و نحوه سنجش آن‌ها بیان می‌گردد.

سرمایه فکری: بتیس، سرمایه فکری را به عنوان مجموعه‌ای از دارایی‌های نامشهود (منابع، تواناییها، رقابت) تعریف می‌کند که از عملکرد سازمانی و ایجاد ارزش به دست می‌آیند (بتیس، ۱۹۹۸ به نقل از: قلیچلی و مشبکی، ۱۳۸۵: ۱۲۷). در این تحقیق برای اندازه‌گیری میزان سرمایه فکری از ۴ بعد سرمایه انسانی، سرمایه نوآوری، سرمایه فناوری اطلاعات و سرمایه مشتری استفاده شده است. تعیین عوامل مؤثر در هر بعد از سرمایه‌های فکری بر اساس مدل Hung انجام شده است. برای سنجش متغیر سرمایه فکری از ۱۸ گویه در طیف لیکرت استفاده شده است. که پس از جمع نمرات گویه‌ها، متغیر سرمایه فکری اندازه‌گیری شده است.

انرژی عاطفی: انرژی عاطفی، شور و شوق و نیرویی است که در جریان کنش متقابل و رویارویی‌های اجتماعی در نتیجه مشارکت موفقیت‌آمیز در مناسک تعامل ایجاد می‌شود. انرژی عاطفی به افراد میل به حرکت به سوی اهداف نمادین میدان علمی و کسب سرمایه‌های ارزشمند برای احراز موقعیت بهتر را می‌دهد و موجب پویایی رفتاری و کنشگری در افراد می‌شود (Callins, 2000:29-30). برای سنجش مفهوم انرژی عاطفی در این پژوهش، ۷ سؤال ۵ گزینه‌ای در نظر گرفته شده است. متغیر انرژی عاطفی با استفاده از طیف لیکرت و سطح سنجش فاصله‌ای اندازه‌گیری شده است. گویه‌هایی که برای سنجش طراحی شده‌اند عبارتند از: ۱- عضو انجمن‌های علمی هستم و با آن‌ها همکاری دارم. ۲- ارتباط مستمر با همکاران و دوستان در درون و بیرون از مراکز علمی دارم. ۳- برای مطالعه و یادگیری مطالب جدید وقت زیادی صرف می‌کنم. ۴- شور و نشاط علمی را برای موفق شدن ضروری می‌دانم. ۵- در اکثریت گردهمایی‌ها و نشست‌های علمی شرکت می‌کنم. ۶- به انجام کارها به صورت گروهی علاقه دارم. ۷-

جامعه‌شناختی است لذا واحد تحلیل در این پژوهش فرد (نخبگان علمی دانشگاهی و غیر دانشگاهی) است. در این تحقیق، از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی توأم با تصادفی ساده استفاده شده است. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران کمی استفاده شده است. بر اساس این فرمول و با استفاده از واریانس متغیر «سرمایه فکری» از ابعاد متغیر وابسته و تعداد نخبگان جامعه آماری، تعداد نمونه برابر با ۱۴۰ نفر است. نحوه برآورد حجم نمونه در فرمول زیر آمده است:

$$n = \frac{N(t.s)^2}{Nd^2 + (t.s)^2} = \frac{267 \times (1.96 \times 0.44)^2}{267 \times (0.05)^2 + (1.96 \times 0.44)^2} = 140 / 44 = 140$$

پس از مطالعات اولیه، پرسشنامه‌های طراحی شده، در این بخش‌ها پر شد و در نهایت داده‌های گردآوری شده از طریق برنامه Spss ۲۲ مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

تعریف عملیاتی مفاهیم و متغیرها

واژه نخبه به استناد ماده ۴ اساسنامه بنیاد نخبگان، به فرد برجسته و کارآمدی اطلاق می‌شود که اثرگذاری وی در تولید و گسترش علم، هنر، فناوری، فرهنگ‌سازی و مدیریت کشور محسوس باشد و هوش، خلاقیت، کارآفرینی و نبوغ فکری وی در زمینه تولید و گسترش دانش و نوآوری موجب سرعت بخشیدن به رشد و توسعه علمی و اعتلای جامعه انسانی کشور شود (سایت بنیاد نخبگان). اگر بخواهیم از معنای نخبه نزدیک به جامعه‌شناسی معاصر مطلع شویم، می‌توان به تعریف گی‌روشه اشاره کرد: نخبگان، اشخاص و گروه‌هایی هستند که در نتیجه قدرتی که به دست می‌آورند و تأثیری که بر جای می‌گذارند یا به وسیله تصمیماتی که اتخاذ می‌کنند و یا به وسیله ایده‌ها، احساسات و یا هیجاناتی که به وجود می‌آورند، در تبیین تاریخی جامعه‌ای مؤثر واقع می‌شوند. و این تعریف نسبتاً با مفهوم نخبگان مصطلح در جامعه‌شناسی معاصر مطابقت دارد (طاهری، ۱۳۸۷: ۴-۳). بنابراین پرورش نخبگان را این‌گونه می‌توان تعریف کرد: بررسی عواملی که در فرآیند پرورش نخبگان برای رسیدن به مرتبه نخبگی مؤثر

به نظر من برای رسیدن به موفقیت باید مشکلات و سختی‌های زیادی را تحمل کرد.

سرمایه فرهنگی: از نظر بوردیو سرمایه فرهنگی که از طریق منابعی چون پرورش خانوادگی، آموزش رسمی و فرهنگ شغلی شکل می‌گیرد، می‌تواند تا حدی مستقل از دارایی‌ها مادی عمل کند و حتی کمبود پول را که قسمتی از استراتژی‌های فرد یا گروه برای تعقیب قدرت و جایگاه اجتماعی است، جبران می‌کند (فیلد، ۱۳۸۶: ۲۹). در این پژوهش سرمایه فرهنگی با سه بعد سرمایه فرهنگی تجسم یافته، سرمایه فرهنگی عینیت یافته و سرمایه فرهنگی نهادینه شده سنجدیده می‌شود و برای سنجش آن‌ها از ۱۱ گویه استفاده شده است. تمامی گویه‌ها بر اساس طیف لیکرت تنظیم گردید که برای هر گویه، پنج پاسخ (خیلی زیاد، زیاد، کم، خیلی کم و اصلاً) است.

سرمایه نمادین: سرمایه نمادین یعنی مجموعه ابزارهای نمادین، پرستیژ، حیثیت، احترام و قابلیت‌های فردی در رفتارها (کلام و کالبد) که فرد در اختیار دارد. سرمایه نمادین جزئی از سرمایه فرهنگی است و به معنای توانایی مشروعیت دادن، تعریف کردن و ارزش‌گذاردن است (فکوهی، ۱۳۸۱: ۳۰۰). بنابراین میزان احترامی که در جامعه به فرد به خاطر موفقیت تحصیلی و علمی او گذاشته می‌شود، سرمایه نمادین نام دارد. در این بررسی، سرمایه نمادین با معرف‌هایی همچون میزان آگاهی از اوضاع زمانه و جهان اجتماعی، آشنایی با نویسندگان و آثار علمی، ادبی و هنری جدید، میزان موفقیت در رشته تحصیلی از نظر دیگران مهم و انتشار مقالات و کتب علمی سنجدیده شده است و با استفاده از طیف لیکرت و سطح سنجش فاصله‌ای اندازه‌گیری شده است.

خانواده: خانواده عبارت است از نهاد اجتماعی که به نیاز گروه برای جایگزینی اعضا از طریق تولید مثل می‌پردازد (ببی، ۱۳۷۹: ۲۴۳) و نیازهای اعضای خود را برآورده می‌کند و نقش حمایت‌کننده دارد. در این بررسی نقش خانواده را با معرف‌هایی همچون سطح تحصیلات والدین، شغل والدین،

درآمد و حمایت عاطفی سنجدیده شده است و با استفاده از طیف لیکرت و سطح سنجش فاصله‌ای اندازه‌گیری شده است. شبکه‌های اجتماعی: شبکه‌های اجتماعی عبارت است از پیوندهای رسمی و غیر رسمی بین اعضا پیوندهای غیر رسمی شامل (دوستان، خویشاوندان و همسایگان)، پیوندهای رسمی شامل (همکاران و رسانه‌های جمعی). برای سنجش متغیر شبکه‌های اجتماعی از ۶ گویه استفاده شده است. در این تحقیق شبکه‌های اجتماعی با معرف‌هایی از قبیل میزان تماس با دوستان، خویشاوندان، همسایگان، همکاران مورد سنجش قرار گرفته است.

سرمایه اجتماعی: فیلد معتقد است که سرمایه اجتماعی به آن چه شما می‌دانید مربوط نمی‌شود بلکه مربوط به این واقعیت است که چه کسانی شما را می‌شناسند. این عبارت مختصراً درک مرسوم از سرمایه اجتماعی را در خود دارد (فیلد، ۱۳۸۶: ۷). در این بررسی، سرمایه اجتماعی به سه بعد مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی تفکیک شده است. به منظور سنجش این ابعاد از ۱۲ گویه استفاده شده است.

گرایش به مهاجرت: آلپورت معتقد است که گرایش یک آمادگی ذهنی را برای یک عمل خاص می‌رساند که به وسیله تجربه سازماندهی می‌شود و بر روی عکس‌العمل‌های انسان نسبت به کلیه پدیده‌ها و وضعیت‌هایی که با او سر و کار دارد تأثیر جهت‌دهنده و پویا می‌گذارد (رفیع‌پور، ۱۳۷۲: ۵). در این تحقیق به منظور سنجش گرایش نخبگان به مهاجرت از ۳ متغیر سرمایه بومی، هویت بازانديشانه و ارزیابی فایده مهاجرت استفاده شده است که در زیر تعاریف مفهومی و عملیاتی و نحوه سنجش آن‌ها بیان می‌گردد. به منظور سنجش این ابعاد از ۲۱ گویه استفاده شده است.

سرمایه بومی: داوانزو بر این عقیده است که مجموعه‌ای از کالاها و اموال وجود دارند که بعد از مهاجرت امکان حفظ آن‌ها یا دسترسی به آن‌ها ممکن نیست و آن‌ها را سرمایه بومی می‌نامد (Davanzo, 1981). در این پژوهش سرمایه بومی با دو

بعد احساس امنیت مالی، احساس امنیت جانی و احساس امنیت سیاسی تقسیم شده است. برای سنجش احساس امنیت اجتماعی با توجه به ابعاد ۳ گانه آن، در مجموع ۶ گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده است.

پنداشت از آینده: پنداشت و نگرش‌های افراد به خصوص پنداشت‌هایی را که شامل ارزیابی افراد از وضع موجود و نیز حاکی از امید به آینده است. در این تحقیق به منظور سنجش متغیر پنداشت از آینده، از ۳ گویه در طیف لیکرت استفاده شده است که پس از جمع نمرات گویه‌ها، متغیر پنداشت از آینده اندازه‌گیری شده است.

میدان علمی: میدان علمی، میدان عمل و روابط کنشگران است، عرصه‌ای که تعاملات، منازعات و تکاپوها برای کسب منابع معین صورت می‌گیرد. با این تعریف می‌توان گفت میدان یک مفهوم نظری است که قابلیت رؤیت و بررسی آن به راحتی امکان‌پذیر نیست اما می‌توان بنابر نظر بوردیو که عمل اجتماعی را در پیوند مکان و زمان قرار می‌دهد و عمل را به مثابه پدیده اجتماعی مرئی و عینی، بیرون از زمان / مکان قابل درک نمی‌داند؛ میدان را مکان عمل اجتماعی افراد در نظر گرفت. کالینز بر مکان‌مندی تأکید دارد که افراد به طور فیزیکی به دور هم جمع می‌شوند و به تعامل رو در رو با یکدیگر می‌پردازند (عباداللهی و خستو، ۱۳۹۱: ۳۹). در این تحقیق برای سنجش متغیر میدان علمی از مؤلفه میزان نهادمندی علم استفاده شده است و برای اندازه‌گیری آن از ۵ گویه در طیف لیکرت استفاده شده است.

گروه مرجع: گروه مرجع گروهی است که افراد برای ارزیابی و مقایسه به آنان رجوع می‌کنند و در پذیرش الگوی‌های رفتاری تأثیرپذیری زیادی از این گروه‌ها دارند و در دنبال کردن آرزوها و اهداف شخصی‌شان به آنان مراجعه می‌کنند. در این تحقیق گروه مرجع با دو بعد، گروه مرجع خودی و بیگانه سنجش شده است. گروه مرجع خودی، با معرف‌هایی همچون نگرش دوستان، معلمان، استادان، همکاران و اعضای خانواده (پدر، مادر، همسر، خواهر و برادر) در مورد مهاجرت سنجش شده

بعد پایبندی مذهبی و خاص‌گرایی سنجش شده است. پایبندی مذهبی عبارت است از میزان اعتقاد و پایبندی به دین، دستورات دینی و عمل به آن‌ها. در این تحقیق برای سنجش متغیر پایبندی مذهبی از ۴ گویه در طیف لیکرت استفاده شده است که پس از جمع نمرات گویه‌ها، متغیر پایبندی مذهبی اندازه‌گیری شده است. با توجه به گزینه‌های این گویه‌ها، ترکیب نمرات در قالب طیف ارائه می‌گردد. خاص‌گرایی را این گونه می‌توان تعریف کرد: چنان‌چه یک شخص در رابطه‌اش با دیگری بر اساس اصول محلی و شخصی و قبیله‌ای رفتار کند، خاص‌گرا است. در این تحقیق خاص‌گرایی با معرف‌هایی همچون میزان رضایت از غیر بومی‌ها، تصور از جو هنجاری حاکم در بین نخبگان در موقعیت‌های خاص‌گرا و تصور نخبگان از جو هنجاری حاکم در بین مسئولان و دست اندرکاران استان سنجدیده شده است. به منظور سنجش متغیر خاص‌گرایی از ۸ گویه در طیف لیکرت استفاده شده است.

هویت بازانديشانه: پروژه باز اندیشانه شخصیت که به حفظ هویتی منسجم و در عین حال روایت‌های شرح حال نگارانه دائماً تجدید نظر شده منجر می‌شود، در بستری شکل می‌گیرد که امکان انتخاب‌های چندگانه را فراهم می‌سازد (Giddens, 1991:4). در این تحقیق هویت بازانديشانه با معرف‌هایی همچون ریسک‌پذیری و خطر جویی، استقلال و آزادی عمل سنجدیده شده است. به منظور سنجش متغیر هویت بازانديشانه از ۴ گویه در طیف لیکرت استفاده شده است که پس از جمع نمرات گویه‌ها، متغیر هویت بازانديشانه اندازه‌گیری شده است.

امنیت اجتماعی: گیدنز امنیت وجودی (احساس امنیت)

را چنین تعریف می‌کند: زمانی که فرد می‌داند چگونه به کار خود ادامه دهد، بدون آن که وقفه و مزاحمتی برای او به وجود آید، حالتی ذهنی و روانی در وی بروز می‌کند که این حالت همان امنیت وجودی (احساس امنیت) است (استونز، ۱۳۷۹: ۴۳۲-۴۳۱). در این مطالعه احساس امنیت اجتماعی به ۳

است و گروه مرجع بیگانه، با معرف‌هایی همچون نگرش به الگوهای ایده‌آل زندگی، پذیرش الگوی فرهنگی کشورهای پیشرفته و مقایسه آن با فرهنگ خودی سنجش شده است. برای سنجش متغیر گروه مرجع از ۶ گویه در طیف لیکرت استفاده شده است.

برای پایایی ابزار سنجش از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون آلفای کرونباخ برای متغیرهای تحقیق نشان داد گویه‌های به‌کار رفته از انسجام درونی قابل قبولی برای متغیرهای تحقیق برخوردارند. جدول زیر نشان می‌دهد که بین گویه‌ها با ضریب آلفای بالاتر از ۰/۷ همسانی درونی وجود دارد.

جدول ۱- آزمون آلفای کرونباخ در بررسی قابلیت اعتماد

ردیف	بعد	گویه	ضریب آلفای کرونباخ
۱	سرمایه فرهنگی	۱۱	۰/۷۱
۲	سرمایه اجتماعی	۱۲	۰/۷۴
۳	سرمایه نمادین	۴	۰/۸۲
۴	سرمایه فکری	۱۸	۰/۷۴
۵	سرمایه بومی	۱۲	۰/۷۰
۶	امنیت اجتماعی	۶	۰/۷۷
۷	خلاقیت	۸	۰/۸۹
۸	گروه مرجع	۶	۰/۷۶
۹	انرژی عاطفی	۷	۰/۸۰
۱۰	خانواده	۸	۰/۷۸
۱۱	شبکه‌های اجتماعی	۶	۰/۷۴
۱۲	هویت بازاندیشانه	۴	۰/۷۵
۱۳	ارزیابی فایده مهاجرت	۵	۰/۸۵
۱۴	پنداشت از آینده	۳	۰/۷۳
۱۵	میدان علمی	۵	۰/۸۸

در این تحقیق برای تعیین روایی ابزارهای تحقیق از روش روایی صوری و سازه‌ای استفاده شد. بدین منظور برای اطمینان از اعتبار لازم در زمینه منطبق بودن محتوای سؤالات با ویژگی‌های مورد نظر به مشاوره و بهره‌گیری از نظر استادان و کارشناسان مربوطه اقدام شده است. روایی سازه به این دلیل استفاده شده است که تعیین کنیم نمرات این پرسشنامه تا چه اندازه با سازه‌های حاصل از نظریه‌های زیربنایی گویه‌های پرسشنامه رابطه دارند. به دلیل استقلال محتوایی هر یک از بخش‌های پرسشنامه، تحلیل عاملی بر روی هر یک از این بخش‌ها به صورت مستقل انجام شد. به منظور تفکیک و دسته‌بندی سؤالات متغیرهای وابسته و مستقل از تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی بر اساس تجزیه به مؤلفه‌های اصلی استفاده شد. نتایج به دست آمده در اولین تحلیل عاملی برای متغیر وابسته (پرورش نخبگان)، (گرایش نخبگان به مهاجرت) و متغیرهای مستقل، حاکی از آن است که تعداد نمونه‌ها برای اجرای تحلیل عاملی مناسب است (مقدار KMO بین صفر تا ۱ است و هر چقدر به یک نزدیکتر باشد، به همان مقدار روایی نمونه‌ای بالاتر است). همچنین این آماره‌ها نشان می‌دهد که تفکیک عامل‌ها به درستی انجام شده و سؤالات (گویه‌های) مندرج زیر هر عامل همبستگی ریشه‌ای بالایی با همدیگر دارند. جدول زیر نتایج آزمون کایزرمایر و کرویت بارنت را نشان می‌دهد.

پس از اطمینان از درستی اجرای تحلیل عاملی بر روی داده‌های مورد نظر، در گام بعد به بررسی صلاحیت هر یک از گویه‌های متغیرهای وابسته و مستقل برای باقی ماندن در درون تحلیل عاملی می‌پردازیم تا چنانچه گویه‌هایی صلاحیت لازم را نداشته باشند و حذف آن‌ها کیفیت تحلیل عاملی را بالا ببرد، آن گویه‌ها انتخاب شده و در دومین تحلیل عاملی از تحلیل عاملی خارج شوند که نتیجه نشان داد گویه‌های فاقد صلاحیت در درون تحلیل عاملی حضور ندارند.

جدول ۲- آزمون کایزمایر و کرویت بارتلت برای متغیرهای وابسته و مستقل

ردیف	سازه‌ها	تعداد گویه	مقدار KMO	مقدار آزمون بارتلت		تعداد عامل‌های استخراج شده
				درجه آزادی	سطح معنی‌داری	
۱	پرورش نخبگان	۳۱	۰/۷۱۵	۱۳۰۵/۵۵	۰/۰۰۰	۳
۲	گرایش نخبگان به مهاجرت	۲۱	۰/۷۷۲	۹۱۹/۲۵	۰/۰۰۰	۳
۳	متغیرهای مستقل	۵۸	۰/۵۶۳	۳۴۶۸/۲۵	۰/۰۰۰	۹

یافته‌های تحقیق

بررسی ویژگی‌های جمعیتی-اجتماعی و آموزشی

نتیجه بررسی متغیرهای جمعیت‌شناختی، حاکی از آن است که ۵۴/۳ درصد از جمعیت نمونه ما را مردان و ۴۵/۷ درصد را زنان تشکیل می‌دهند و بیشترین میزان فراوانی سن پاسخگویان، به گروه سنی ۱۸ تا ۲۸ سال مربوط می‌شود که ۶۵ درصد پاسخگویان را در برمی‌گیرد. بررسی شاخص‌های گرایش به مرکز، حاکی از آن است که میانگین سنی نمونه‌های مورد مطالعه ۳۱/۰۷ است که بیانگر جوان بودن نخبگان مورد مطالعه است. همچنین این بررسی نشان می‌دهد که درآمد خانواده ۸۶ درصد نخبگان بالاتر از حد متوسط است. همچنین تقریباً والدین نیمی از پاسخگویان تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند و شغل بیشتر والدین نخبگان دولتی و در رده‌های بالای مدیریتی قرار داشت. بنابراین می‌توان گفت بین شغل، درآمد و تحصیلات والدین و پرورش نخبگان، همبستگی نزدیکی وجود دارد و می‌توان این چنین نتیجه گرفت که بیشتر نخبگان از قشر متوسط و بالای جامعه مورد مطالعه هستند و تنها تعداد اندکی از آنها از میان قشر پایین هستند، طبق مصاحبه‌ای که با این افراد صورت گرفت، این دسته از افراد موفقیت‌شان را نتیجه تلاش‌های شخصی

خودشان دانستند و نقش حمایت‌های مالی خانواده را ضعیف قلمداد کردند.

یافته‌های استنباطی

بررسی متغیرهای اصلی تحقیق

دو متغیر «پرورش نخبگان» و «گرایش نخبگان به مهاجرت»، متغیرهای وابسته این تحقیق هستند. علاوه بر متغیرهای وابسته ذکر شده، خانواده، سرمایه فرهنگی، سرمایه نمادین، سرمایه اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی، امنیت اجتماعی، پنداشت از آینده، گروه مرجع و میدان علمی، متغیرهای مستقل تحقیق هستند.

برای انتخاب آزمون‌های آماری مناسب برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده لازم است تا نوع توزیع متغیرها به لحاظ نرمال بودن پراکندگی آنان ارزیابی شود که در این مورد از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. سطح معنی‌داری آزمون در مورد متغیر گرایش به مهاجرت از ۰/۰۵ بزرگتر است. بنابراین می‌توان قضاوت کرد که توزیع پراکندگی نمرات این متغیر نرمال است. جدول زیر نرمال بودن توزیع مقادیر این متغیر را نشان می‌دهد.

جدول ۳- آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای مشخص کردن نرمال بودن توزیع مقادیر متغیرها

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	تفاوت مثبت	تفاوت منفی	آزمون	سطح معنی‌داری
گرایش به مهاجرت	۱۴۰	۳/۲۵	۰/۳۲۸۱۵	۰/۰۴۷	-۰/۰۷۲	۰/۰۷	۰/۰۷

نتایج آزمون همبستگی پیرسون: روابط دوگانه بین متغیرهای تحقیق

با توجه به این که متغیر سرمایه فرهنگی، نمادین، اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی و خانواده با استفاده از گویه‌های مختلف و در سطح فاصله‌ای اندازه‌گیری شده است، بنابراین برای بررسی رابطه میان این متغیرها و متغیر «پرورش نخبگان» از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتیجه حاصل از این بررسی در جدول زیر آمده است.

جدول ۴- رابطه بین متغیرهای مستقل و پرورش نخبگان

متغیرهای مستقل	متغیر وابسته: پیدایش نخبگان	
	ضریب همبستگی r	سطح معناداری
سرمایه فرهنگی	-۰/۲۰۷	۰/۰۰۷
سرمایه اجتماعی	۰/۱۴۷	۰/۰۴۱
سرمایه نمادین	۰/۱۶۲	۰/۰۲۸
شبکه اجتماعی	۰/۰۳۳	۰/۳۴۹
خانواده	۰/۰۰۷	۰/۴۶۸

ضریب همبستگی محاسبه شده به میزان ۰/۲۰۷ - نشان می‌دهد که بین دو متغیر «سرمایه فرهنگی» و «پرورش نخبگان» با ۹۹ درصد اطمینان رابطه معنی‌داری وجود دارد. این همبستگی منفی است و از لحاظ شدت، در حد متوسط ارزیابی می‌گردد. ضرایب همبستگی محاسبه شده نشان می‌دهد که بین دو متغیر «سرمایه اجتماعی»، «سرمایه نمادین» و «پرورش نخبگان» رابطه معنی‌داری وجود دارد. این همبستگی مثبت است. به عبارت بهتر با افزایش سرمایه اجتماعی و سرمایه نمادین، پرورش نخبگان نیز افزایش می‌یابد. ضرایب همبستگی محاسبه شده نشان می‌دهد که بین دو متغیر «خانواده»، «شبکه اجتماعی» و «پرورش نخبگان» رابطه معنی‌داری وجود ندارد. لذا این رابطه نیازی به تبیین ندارد.

جدول ۵- رابطه بین متغیرهای مستقل و گرایش به مهاجرت

سطح معناداری	متغیر وابسته: گرایش به مهاجرت	
	ضریب همبستگی r	متغیرهای مستقل
۰/۱۱۳	۰/۱۰۳	میدان علمی
۰/۰۴۴	-۰/۱۴۴	سرمایه اجتماعی
۰/۰۰۷	۰/۲۰۹	امنیت اجتماعی
۰/۲۳۷	-۰/۰۳۶	پنداشت از آینده
۰/۰۳۳	۰/۱۵۵	گروه مرجع

ضریب همبستگی محاسبه شده به میزان ۰/۱۴۴ - نشان می‌دهد که بین دو متغیر «سرمایه اجتماعی» و «گرایش به مهاجرت» رابطه معنی‌داری وجود دارد. این همبستگی منفی است و از لحاظ شدت، در حد ضعیف ارزیابی می‌گردد. بنابراین می‌توان گفت که با کاهش سرمایه اجتماعی مهاجرت نخبگان افزایش می‌یابد. ضریب همبستگی محاسبه شده به میزان ۰/۲۰۹ نشان می‌دهد که بین دو متغیر «امنیت اجتماعی» و «گرایش به مهاجرت» رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که بین دو متغیر «گروه مرجع» و «گرایش به مهاجرت» رابطه معنی‌داری وجود دارد. این همبستگی مثبت است. بنابراین می‌توان گفت که نگرش مثبت گروه مرجع نسبت به مهاجرت موجب افزایش تمایل نخبگان به مهاجرت می‌شود.

نتایج فرضیه‌های فرعی تحقیق

با توجه به این که متغیر مستقل (جنسیت) در سطح اندازه‌گیری اسمی دو حالت سنجش شده است و سطح سنجش متغیر گرایش به مهاجرت در سطح فاصله‌ای است، برای بررسی رابطه بین این دو متغیر از آزمون t مستقل استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که بین دو جنس از نظر میانگین گرایش به مهاجرت تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. بنابراین فرضیه مذکور تأیید نمی‌شود.

جدول ۶- رابطه متغیر «جنسیت» و «گرایش به مهاجرت»

آزمون لوین برای بررسی آزمون T برای بررسی برابری میانگین‌ها						
برابری واریانس‌ها						
گرایش به مهاجرت	با فرض برابری واریانس‌ها	مقدار F	معنی‌داری	مقدار T	معنی‌داری	اختلاف میانگین
		۱/۴۶۸	۰/۲۲۸	۱/۳۸۹	۰/۱۶۷	۰/۰۷۷۰۷

در سطح فاصله‌ای است، برای بررسی رابطه بین این دو متغیر از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شده است.

با توجه به این‌که متغیرهای مستقل (رشته تحصیلی و سن) در سطح اندازه‌گیری اسمی چند حالتی سنجش شده است و در عین حال سطح سنجش متغیر گرایش به مهاجرت

جدول ۷- نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه در ارتباط رشته تحصیلی و گرایش به مهاجرت

منبع واریانس	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	آماره F	سطح معنی‌داری
بین گروه	۰/۳۳۳	۳	۰/۱۱۱	۰/۰۳۲	۰/۳۸۱
درون گروه	۱۴/۶۳۵	۱۳۶	۰/۱۰۸		
جمع	۱۴/۹۶۸	۱۳۹			

گرایش به مهاجرت تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. بنابراین فرضیه مذکور تأیید نمی‌شود. به نظر می‌رسد که نخبگان همه رشته‌ها تمایل به مهاجرت دارند.

همان‌طور که نتایج جدول فوق نشان می‌دهد، آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه معنادار نیست، بر اساس نتایج به‌دست آمده می‌توان گفت که بین چهار رشته تحصیلی علوم انسانی، فنی و مهندسی، پزشکی و علوم پایه از نظر میانگین

جدول ۸- نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه در ارتباط سن و گرایش به مهاجرت

منبع واریانس	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	آماره F	سطح معنی‌داری
بین گروه	۱/۱۵۶	۴	۰/۲۸۹	۲/۸۲۵	۰/۰۲۷
درون گروه	۱۳/۸۱۲	۱۳۵	۰/۱۰۲		
جمع	۱۴/۱۶۸	۱۳۹			

قرار دارند، تمایل بیشتری به مهاجرت دارند.

همان‌طور که جدول (۸) نشان می‌دهد آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه معنادار است پس با ۰/۹۵ اطمینان می‌توان گفت که میان سن پاس‌خگویان تفاوت آماری معناداری وجود دارد. دلیل این تفاوت را می‌توان مربوط به اختلاف زیاد دامنه سن پاس‌خگویان دانست. اما بین میانگین ۳ گروه دیگر تفاوت معنادار وجود ندارد. نتایج فوق حاکی از آن است که نخبگان جوان نسبت به نخبگانی که در گروه سنی میانسال و بزرگسال

نتایج فرضیه‌های جانبی تحقیق

از آن جا که این احتمال وجود دارد که علاوه بر روابط دوگانه، روابط کاذب نیز بین متغیرها وجود داشته باشد، بنابراین برای بررسی عمیق‌تر این پدیده و تحلیل و پردازش مدل از طریق تحلیل مسیر یک مدل رگرسیون چندگانه ارائه

شده است. برای وارد کردن متغیرها در تحلیل مسیر از روش شده هر کدام از متغیرهای پیش‌بین را بر روی متغیر ملاک ورود همزمان استفاده شده است که میزان دقیق تأثیر استاندارد نشان می‌دهد.

جدول ۹- ضرایب مسیر متغیرهای اثر گذار بر پرورش نخبگان

متغیرهای وارد شده	ضرایب استاندارد شده (بتا)	مقدار t	سطح معنی‌داری
مقدار ثابت	--	۵/۱۴۷	۰/۰۰۰
سرمایه فرهنگی (زبان خارجی)	-۰/۲۷۰	-۲/۳۹۲	۰/۰۱۹
سرمایه اجتماعی (کانون علمی و هنری)	۰/۲۴۱	۱/۹۱۷	۰/۰۵
سرمایه نمادین (آگاهی به مسائل اجتماعی زمانه)	۰/۲۴۰	۱/۹۴۶	۰/۰۵
خانواده (تعاون)	۰/۲۶۲	۱/۹۹۴	۰/۰۴۹

کانون علمی و هنری) متغیر سرمایه اجتماعی با اثر ۰/۲۴۱ و (بعد آگاهی به مسائل زمانه) متغیر سرمایه نمادین با اثر ۰/۲۴۰ کمترین اثر در تبیین واریانس (بعد سرمایه فکری) از ابعاد پرورش نخبگان دارند و نشانگر این است که این دو متغیر در بین متغیرهای وارد شده به مدل رگرسیونی قدرت تبیین‌کنندگی کمتری دارد.

با توجه به جدول فوق نکات ذیل برای ما روشن می‌شود: میزان تأثیر (بعد زبان خارجی) از ابعاد متغیر سرمایه فرهنگی برابر با ۰/۲۷۰- است که نشان‌دهنده سهم بیشتر آن در تبیین واریانس (بعد انرژی عاطفی) از ابعاد متغیر پرورش نخبگان است. (بعد تعاون) متغیر خانواده با اثر ۰/۲۶۲، در تبیین واریانس (بعد سرمایه فکری) از ابعاد متغیر پرورش نخبگان، پس از متغیر سرمایه فرهنگی قرار دارد و در نهایت (بعد

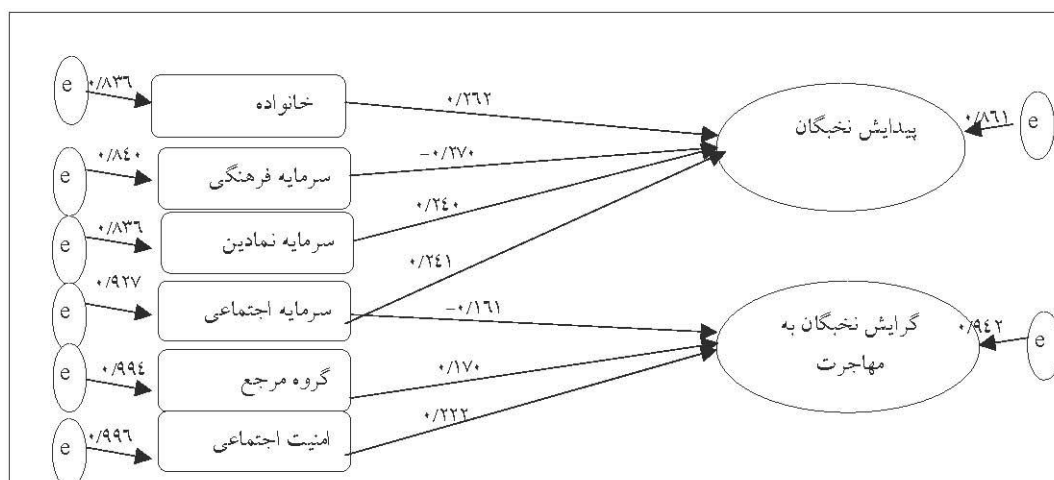
جدول ۱۰- ضرایب مسیر متغیرهای اثر گذار بر گرایش به مهاجرت

متغیرهای وارد شده	ضرایب استاندارد شده (بتا)	مقدار t	سطح معنی‌داری
مقدار ثابت	--	۲/۷۸۱	۰/۰۰۰
امنیت اجتماعی	۰/۲۲۲	۲/۷۱۳	۰/۰۰۸
گروه مرجع	۰/۱۷۰	۲/۰۷۹	۰/۰۴۰
سرمایه اجتماعی	-۰/۱۶۱	-۱/۹۵۹	۰/۰۵

بین متغیرهای وارد شده به مدل رگرسیونی، قدرت تبیین‌کنندگی کمتری دارد.

مدل تحلیلی تحقیق

جدول فوق حاکی از این است که میزان تأثیر مستقیم متغیر امنیت اجتماعی برابر با ۰/۲۲۲ است که نشان‌دهنده سهم بیشتر آن در تبیین واریانس متغیر گرایش نخبگان به مهاجرت است و گروه مرجع با اثر ۰/۱۷۰ بعد از امنیت اجتماعی قرار دارد و در نهایت متغیر سرمایه اجتماعی با اثر ۰/۱۶۱- کمترین اثر دارد و نشانگر این است که این متغیر در



شکل ۱- مدل تحلیلی تحقیق

بحث و نتیجه

در دنیای امروز توسعه همه جانبه یک کشور با میزان تولید، به کارگیری و ترویج علم متناسب است. بنابراین اگر بپذیریم که توسعه به این عوامل بستگی دارد. در این مسیر جایگاه رفیع تولید کنندگان علم و دانش به عنوان مؤثرترین عوامل توسعه نمایانگر می‌شود. شرط هرگونه توسعه‌ای از جمله توسعه علمی جامعه، وجود نیروی انسانی نخبه است که در واقع حکم ثروت انسانی جامعه را دارد. بدیهی است که هرگونه اختلال و نابسامانی در سیستم آموزش این نیروی انسانی، فرآیند توسعه جامعه به ویژه توسعه علم و تکنولوژی را آسیب‌پذیر می‌سازد. این سرمایه‌های انسانی می‌توانند با اندکی توجه و حمایت سرچشمه افتخارات بزرگ، تحول و نوآوری در عرصه‌های علمی، فن‌آوری شوند و همچنین راهنما و پرورش‌دهندگان نخبگان آینده کشور باشند.

بر همین اساس تحقیق حاضر با هدف بررسی زمینه‌های اجتماعی مؤثر بر پرورش و گریز نخبگان انجام پذیرفت. چارچوب‌های مفهومی و دیدگاه‌های نظری مطرح شده در بخش نظری تحقیق نقطه عزیمت مناسبی را برای طرح سؤالات و دستیابی به توضیحی قابل قبول و به دست آمده در جریان مطالعه تجربی فراهم ساخت. سؤال اصلی این تحقیق روشن ساختن نقش عوامل و بسترهای اجتماعی

زمینه‌ساز در پرورش نخبگان و عوامل مؤثر بر تمایل آن‌ها به مهاجرت بود. برای پاسخ به این سؤال و دیگر سؤالات تحقیق، از مبانی نظری و چارچوب نظری استفاده شد. با کنار هم گذاشتن تعیین‌کننده‌های برآمده از چارچوب نظری، مدل مفهومی و نظری تحقیق طرح‌ریزی و بر اساس آن روابطی فرض شد. برای آزمون روابط فرض شده و شناخت روابط بین متغیرها، از آزمون‌های آماری استفاده شد. با توجه به نتایج آزمون‌ها و ترکیب نتایج تحلیل‌های دو متغیری و چند متغیری و مصاحبه‌ها، نتایج برآمده از تحقیق، بررسی می‌شود.

نتایج آزمون‌های پیرسون، تحلیل واریانس یک‌طرفه، رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر تحقیق بیانگر آن است که در تحلیل دو متغیری رابطه معنی‌داری بین سرمایه فرهنگی و پرورش نخبگان ملاحظه شده اما این رابطه منفی و معکوس است که می‌تواند نشان دهد که سرمایه فرهنگی توزیع ناعادلانه و نابرابری در سطح جامعه و به خصوص نمونه مورد بررسی که خود برگزیده‌ای از نخبگان هستند، دارد. همان‌طور که بوردیو نیز در این زمینه چنین می‌گوید: «نهادهای آموزشی به بازتولید شیوه توزیع سرمایه فرهنگی و از راه آن، به بازتولید ساختار فضای اجتماعی، یا به تعبیر شناخته شده تر، به بازتولید طبقات اجتماعی کمک می‌کند و موجب توزیع نابرابر سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی می‌شوند. از نظر

آن نشان از توسعه جامعه دارد. این سرمایه در بازتولید دیگر سرمایه‌ها نقش داشته و موجبات رشد فکری و پویایی جامعه را فراهم می‌آورد. فقدان سرمایه فرهنگی و نبود تعادل در توزیع سرمایه فرهنگی نقش اساسی در ایستایی جامعه دارد.

مطالعه حاضر نظریه بوردیو در زمینه بازتولید سرمایه فرهنگی را تأیید می‌کند. علاوه بر این، مطالعات تجربی محققانی مثل شارع‌پور و خوش‌فر (۱۳۸۱)، نیز به نوعی با نتیجه پژوهش حاضر هم جهت است. آن‌ها در مطالعه خود نشان داده‌اند که نابرابری در توزیع سرمایه فرهنگی اهمیت ویژه‌ای دارد. آن‌ها معتقدند نابرابری شدید در توزیع سرمایه فرهنگی می‌تواند پیامدهای نامطلوب ذیل را برای جامعه به دنبال داشته باشد: محرومیت اکثریت اعضای جامعه در دسترسی به منابع معرفتی، محدود شدن امکان بسط خردگرایی تعمیم یافته در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی، نزول سطح مشارکت همگانی مؤثر در تولیدات و خلاقیت‌های علمی و فرهنگی، محدودیت و گردش اطلاعات و جذب دانش‌های نوین و کاهش ارزش تغییر در جامعه. همچنین یافته‌های پژوهش پناهی و امید (۱۳۹۱)، مؤید نتیجه تحقیق حاضر است. در این تحقیق نشان داده شده است که نابرابری‌ها در عرصه فرهنگی دقیقاً به اندازه بررسی نابرابری‌های اقتصادی اهمیت دارد. این نابرابری به ویژه در بخش پایین اجتماعی هنوز در نابرابری شدیدی نسبت به بخش‌های متوسط و بالاتر از نظر معیارهای سرمایه فرهنگی به سر می‌برند.

همان‌طور که در این تحقیق ملاحظه شد، سرمایه نمادین نقش محوری در پرورش نخبگان دارد. به عبارت بهتر با افزایش سرمایه نمادین، پرورش نخبگان نیز افزایش می‌یابد. این فرضیه با توجه به نظریه سرمایه نمادین بوردیو تأیید شد. «جهان علمی همانند میدان‌های مختلف اجتماعی، نوعی بازار است که در آن تضاد و رقابت برای دستیابی به سرمایه نمادین صورت می‌گیرد. هدف‌نهایی، انباشت سرمایه نمادین است. هر نخبه همانند یک سرمایه‌دار است که سعی می‌کند مدیریت

وی سیاست دمکراتیزاسیون نهادهای آموزشی - مدرسه یا دانشگاه - با هدف تخفیف نابرابری‌ها و در دسترس عموم قرار دادن فرهنگ و دانش شکست خورده است و نهادهای آموزشی عملاً همان ساخت سنتی توزیع سرمایه فرهنگی را رعایت کرده و نظم پیشین را باز تولید می‌کنند. در نتیجه از این نهادها باز همان «وارثین» هستند که با موفقیت سیر آموزشی خود را طی می‌کنند و از کنکور-مسابقه - فرهنگی، سربلند بیرون می‌آیند چرا که فقط سرمایه اقتصادی نیست که منشأ نابرابری است، «سرمایه فرهنگی» نیز هست» (بوردیو، ۱۳۸۲: ۱۷۴). از سوی دیگر این بازتولید نابرابری از طریق تفسیر شدن به «استعداد تحصیلی»، «پشتکار»، «تلاش»، «نبوغ» فردی ماهیت خود را از نظرها پنهان می‌دارد (سیدمن، ۱۳۸۸: ۲۰۲).

وجود امکانات آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و معیشتی در شهر تهران، یک توزیع نابرابر امکانات و منابع بین تهران و سایر مناطق کشور به وجود آمده است، تفاوت آشکار امکانات و منابع آموزشی و پژوهشی بین شهرهای بزرگ به خصوص تهران و شهرهای کوچک و محروم به نوبه خود موجب بازتولید نابرابری‌های فرهنگی به خصوص در بین نخبگان می‌شود. این امر سبب می‌شود تعداد زیادی از نخبگان با هدف کسب تحصیلات به خصوص تحصیلات عالی به این شهر مهاجرت کنند. توزیع نابرابر و ناعادلانه سرمایه فرهنگی در بین نخبگان مسلماً مانعی اساسی در مقابل پیشرفت آن‌ها و همچنین در برابر توسعه خواهد بود. بنابراین «در صورتی که سرمایه فرهنگی به درستی تولید و توزیع نشود، پیامدهای منفی چون قطبی شدن جامعه را به تبع توزیع نابرابر در معرفت تولید شده و در اختیار، به عنوان منبع قدرت آفرین به دنبال دارد. به علاوه، مانع مشارکت فرهنگی مؤثر پایدار و عمومی می‌شود و امکان بازتولید فرهنگی را در صورت بهینه فراگیر آن و نیز بروز خلاقیت و ابتکار را با مشکل مواجه می‌سازد» (غفاری، ۱۳۸۴: ۲۱). به این ترتیب در می‌یابیم که میزان بهره‌مندی از این سرمایه نوع رفتار جامعه را مشخص و وجود

کارها و نقش‌ها زمانی خوب ایفا خواهد شد که در آن افراد جامعه همدیگر را بشناسند و به یکدیگر اعتماد کنند. در جوامع باید به این سرمایه بسیار وسیع نگاه کرد چرا که این سرمایه امروزه نقشی بسیار مهم‌تر از سرمایه فیزیکی و انسانی در سازمان‌ها و جوامع ایفا می‌کند. لذا در میان نخبگان باید به ارتباطات میان اعضای یک شبکه به عنوان منبع با ارزش نگاه کرد که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل، این شبکه‌ها می‌توانند ضمن تحقق اهداف اعضا به اهداف جامعه نیز کمک شایانی کند.

این فرضیه با توجه به نظریه کالینز تأیید شد. به باور کالینز در میدان علمی نوعی از تعاملات و ارتباطات (مناسک تعامل) در بین اعضا وجود دارد که به انسجام اجتماعی و پویایی روابط و میدان علمی منجر شود (Collins, 2000:22). افرادی که در مراسم تعاملی شرکت می‌کنند، با توجه به شدت کنش متقابل از انرژی عاطفی پر می‌شوند و شور و اشتیاق حرکت به طرف اهداف نمادین را پیدا می‌کنند. این انرژی از موقعیت‌های مشارکت در مراسم، به موقعیت‌های تهایی نیز جریان می‌یابد و بنابراین در غیاب گروه نیز کارساز است. از نظر کالینز رشد علم در گرو ظهور و تداوم حلقه‌های فکری مثابه اجتماعات علمی است. هسته محوری اجتماعات علمی، زنجیره مناسک تعامل است. در درون این اجتماعات علمی، کنشگران عضو از میزان بالای انرژی عاطفی برخوردارند که آن‌ها را برای تداوم تعاملات علمی در درون این اجتماع‌ها همواره آماده نگه می‌دارد. نخبگان به عنوان فعالان فضای علم در درون اجتماعات علمی با انرژی عاطفی بالا درگیر مباحث نظری می‌شوند که نتیجه آن رشد و پویایی علم در درون حلقه‌های فکری به مثابه اجتماعات علمی است. این تعاملات فکری وقتی به شکل زنجیره وار حول ایده‌ها و نشانه‌های خاصی تکرار شوند از طریق تولید همبستگی، شبکه‌ها یا اجتماع‌های علمی را ایجاد می‌کنند.

تحقیقات متعدد در خارج از کشور رابطه مثبت و معنی‌دار بین سرمایه اجتماعی و موفقیت تحصیلی در سطوح

سرمایه خود را به نحو احسن به عهده‌گیرد. همان گونه که سرمایه‌داری بر مبنای نابرابری اقتصادی است، قدرت نخبگان نیز توزیعی نابرابر دارد (جهانبخش، ۱۳۸۶: ۸-۴). با توجه به این‌که سرمایه‌های نمادین می‌توانند بقیه سرمایه‌ها را جمع‌آوری کنند، اگر سرمایه‌ای به نمادین تبدیل شود چندین برابر خود ارزش پیدا می‌کند. علاوه بر این که سرمایه‌های نمادین می‌توانند هم در بالا بردن ارزش سرمایه‌های دیگر و هم در ایجاد ثبات و آرامش برای جامعه تأثیرگذار باشند. اگر جامعه بتواند در تولید سرمایه نمادین و حفظ آن تلاش کند، به توسعه فراگیر دست خواهد یافت. بسیاری از نخبگان استعداد سرمایه نمادین شدن را دارند که هم باید آموزش ببینند و هم برای حفظ و پرورش آن‌ها تلاش شود. جامعه‌ای که نتواند سرمایه‌های نمادین خودش را حفظ کند، نمی‌تواند توسعه پیدا کند. سرمایه‌های نمادین هستند که به ما یاد می‌دهند سرمایه‌های اجتماعی و انسانی داشته باشیم. جامعه‌ای که نتواند سرمایه نمادین تولید کند، نمی‌تواند توسعه پیدا کند.

در کنار متغیرهای یاد شده، متغیر سرمایه اجتماعی، با پرورش نخبگان ارتباط مستقیم دارد. به عبارت بهتر با افزایش سرمایه اجتماعی پرورش نخبگان نیز افزایش می‌یابد. افزایش سرمایه اجتماعی به تعامل اجتماعی همراه با سطح بالایی از همکاری، اعتماد، معامله متقابل، مشارکت مدنی، و رفاه اجتماعی منجر می‌شود. بر این اساس، جامعه‌ای که از روابط اجتماعی قوی و به طور کلی از سرمایه اجتماعی چشم‌گیری برخوردار باشد، به خودی خود زمینه پرورش نخبگان را فراهم می‌آورد. بدین صورت که مشارکت و همکاری هر چه بیشتر نخبگان و افراد در جامعه موجب بالندگی و توسعه می‌شود و به تقویت اعتماد و روابط اجتماعی در جامعه کمک می‌کند. در صورتی که بتوان سرمایه اجتماعی را تقویت کرد، در بستر آن نخبگان می‌توانند استعدادهای ذهنی و روحی خود را شکوفا کنند و در پیشبرد اهداف جامعه مورد نظر مثمر‌تر واقع شوند. پس برای بالا بردن سرمایه اجتماعی مسؤولان هر جامعه باید پی به اهمیت سرمایه اجتماعی ببرند و بدانند که

مختلف را نشان داده است (آلوی، ۱۹۹۸؛ کالمن، ۱۹۹۶؛ تیچمن، ۱۹۹۸؛ پونگ، ۱۹۹۱؛ به نقل از: نوغانی، ۱۳۸۶: ۹۶).

علاوه بر ارتباط مثبت سرمایه اجتماعی بر پرورش نخبگان، ارتباط این متغیر بر میزان تمایل نخبگان به مهاجرت به صورت مستقیم و منفی است. بنابراین می‌توان گفت که با کاهش سرمایه اجتماعی مهاجرت نخبگان افزایش می‌یابد. هر چه سرمایه اجتماعی تقویت گردد، عملکرد نخبگان به لحاظ ذهنی و روحی بهبود می‌یابد. به این ترتیب در می‌یابیم که سرمایه اجتماعی کمک می‌کند تا پتانسیل‌ها و استعدادهایی که پراکنده و به صورت فردی در اختیار افراد جامعه است، یعنی همان سرمایه انسانی و فرهنگی، به شکل جمعی برای رفع مشکلات و معضلات موجود در مناسبات بین فردی به کار گرفته شود. بنابراین یکی از راه‌های برون رفت یا جلوگیری از مهاجرت نخبگان افزایش شبکه‌های ارتباطی، افزایش مشارکت عمومی و غیر رسمی، افزایش اعتماد و بهبود سرمایه اجتماعی می‌باشد. می‌توان با توسعه روابط جمعی و جلب مشارکت افراد وضعیت مهاجرت نخبگان را بهبود بخشید. با توسعه ارتباطات اجتماعی و تحکیم پیوند بین شبکه‌ها می‌توان میزان مهاجرت نخبگان را کاهش داد. از آن‌جا که سرمایه اجتماعی نشان‌دهنده الگوی ارتباطات میان نخبگان می‌باشد، پیشنهاد می‌گردد روابط شبکه‌ای در میان نخبگان گسترده گردد تا این قشر از جامعه با ایجاد کانال‌های ارتباطی باعث انتقال سریع دانش گردند. مسی و همکاران (۲۰۰۵)، مطالعه‌ای با عنوان سرمایه اجتماعی و مهاجرت به خارج در کشورهای آمریکای لاتین انجام داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی با مهاجرت خارج رابطه معکوس دارد که می‌تواند با پژوهش حاضر هم‌خوانی داشته باشد. همچنین یافته‌های پژوهش حاضر، هم‌جهت با پژوهش صدرا (۱۳۹۰) است، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بین سرمایه اجتماعی با مهاجرت نخبگان به خارج از کشور رابطه معکوس وجود دارد.

خانواده نیز یکی از متغیرهای مرتبط بر پرورش نخبگان است. بر اساس یافته‌های تحقیق این رابطه مثبت و معنی‌دار

است. پرورش نخبگان به علل و عوامل متعددی بستگی دارد اما عامل خانواده یکی از مهم‌ترین عوامل مرتبط بر پرورش نخبگان و روند پیشرفت و موفقیت آن‌ها است. بی‌شک نقش خانواده در موفقیت نخبگان آن‌چنان حائز اهمیت است که به هیچ بهانه کتمان شدنی نیست. خانواده با آن جایگاه برجسته و متمیزی که در نظام تعلیم و تربیت بر عهده دارد، می‌تواند نخبگان زیادی را پرورش دهد و تأثیر شگرفی در موفقیت آن‌ها داشته باشد. نتیجه پژوهش حاضر با نتیجه تحقیق نورالدین وند و همکاران (۱۳۹۰)، هم‌جهت است. آن‌ها در مطالعه‌شان نشان داده‌اند که بین جو عاطفی خانواده و پیشرفت تحصیلی رابطه معنی‌داری وجود دارد. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که پیشرفت تحصیلی با محبت کردن، نوازش کردن، تجربه‌های مشترک، هدیه دادن، تشویق کردن و احساس امنیت آن‌ها در محیط خانواده رابطه مثبت دارد. بنابراین یافته‌ها لزوم اهمیت و توجه بیشتر خانواده‌ها به برقراری رابطه عاطفی عمیق و استفاده از شکل‌های مختلف تقویت برای بهبود عملکرد تحصیلی فرزندان‌شان را می‌رساند.

یکی دیگر از عواملی تأثیرگذار در پرورش نخبگان گروه مرجع است. شکی نیست که موفقیت یک فرد نخبه تا حدودی وابسته به ویژگی‌های فردی اوست، اما نباید فراموش کرد که نخبگان به عنوان عضوی از مدرسه، خانواده و اجتماع، ممکن است به منابع و حمایت‌های مختلفی دسترسی داشته باشند که در موفقیت آن‌ها تأثیر مهمی داشته باشد. گروه مرجع شامل افراد یا گروه‌هایی هستند که مبنا و معیار قضاوت و ارزیابی افراد قرار می‌گیرند. این گروه نقشی حیاتی در زندگی اجتماعی نخبگان دارند و نخبگان برای مشورت و اخذ نظرات به این گروه مراجعه می‌کنند. بنابراین نگرش این افراد نسبت به موضوع مهاجرت بر نگرش‌ها و به دنبال آن گرایش نخبگان به مهاجرت بسیار تأثیرگذار است. از آن‌جا که خانواده به عنوان عامل اصلی جامعه‌پذیری فرد محسوب می‌شود، به نظر می‌رسد که می‌تواند نقش مؤثر در کسب نخبگی و همچنین گرایش به مهاجرت اعضای خود داشته باشد. علاوه بر

نظر می‌رسد که ساختار سنتی جامعه و دیدگاه‌هایی که مردان به دلیل آزادی عمل بیشتر گرایش به مهاجرت بیشتری دارند، در حال از بین رفتن است. یا به عبارتی می‌توان گفت این دیدگاه سنتی در بین نخبگان وجود ندارد. از این رو تفوق گرایش به مهاجرت پسران نسبت به دختران معنی‌دار نیست. این مطلب در چارچوب نظریات فمینیستی بیشتر قابل تحلیل است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که میان سن پاسخگویان تفاوت آماری معناداری وجود دارد. دلیل این تفاوت را می‌توان مربوط به اختلاف زیاد دامنه سن پاسخگویان دانست. همچنین نتایج حاکی از آن است که نخبگان جوان نسبت به نخبگانی که در گروه سنی میانسال و بزرگسال قرار دارند، تمایل بیشتری به مهاجرت دارند. در پژوهشی که سال ۱۹۵۸ توسط شروی‌اک انجام گرفته است به عواملی چون سن، جنس و وضعیت خانوادگی در مهاجرت نخبگان اشاره شده است که در خصوص تأثیر متغیر سن با پژوهش حاضر همسویی دارد ولی در پژوهش حاضر رابطه‌ای بین جنس و گرایش به مهاجرت وجود ندارد. شاید این تفاوت به دلیل زمان انجام پژوهش باشد که دو پژوهش در آن صورت گرفته است. همان‌طور که مشاهده می‌شود پژوهش شروی‌اک در سال ۱۹۵۸ انجام شده که تفاوت زمانی زیادی با پژوهش حاضر دارد (شروی‌اک، ۱۹۵۸؛ به نقل از: صدرا، ۱۳۹۰: ۸۲).

در جمع‌بندی نهایی با توجه به نتایج بخش توصیفی و استنباطی و همچنین اطلاعات جمع‌آوری شده از مصاحبه‌ها می‌توان اشاره کرد که در جهان مدرن هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند بدون نیروی انسانی نخبه ادامه حیات دهد. نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که جامعه باید بتواند با تمهیدات و اتخاذ ساز و کارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کارآمد و مؤثر عواملی که موجب پرورش نخبگان کاهش تمایل آن‌ها به مهاجرت را می‌شود تقویت کند و ارتقا دهد. همچنین تلاش کند تا عوامل دافعه را از بین ببرد و اگر هدف اساسی جامعه توسعه اجتماعی باشد، بنابراین باید به امر آموزش و پرورش و سرمایه‌گذاری در مورد نیروی انسانی نخبه توجه خاصی

خانواده، دوستان، گروه همسالان و معلمان نیز تأثیر زیادی بر نگرش‌ها و تصمیمات افراد دارند. در تحقیقات مربوط به پایگاه اجتماعی تأکید بر این است که دیگران مهم یعنی والدین، دوستان و معلمان بر آرزوهای تحصیلی و همچنین موفقیت شغلی افراد تأثیر مهمی دارند.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین دو متغیر «امنیت اجتماعی» و «گرایش به مهاجرت» رابطه معنی‌دار و مثبتی وجود دارد اما با توجه به شواهد موجود در استان به نظر می‌رسد این رابطه، رابطه‌ای کاذب است. در این زمینه لازم به توضیح است که شهر بندرعباس به دلیل این که منطقه تجاری و اقتصادی است، افراد زیادی از شهرهای دیگر برای یافتن شغل به این شهر مهاجرت می‌کنند و اقامت می‌گزینند. این مسائل بالطبع فضای ناامنی را برای ساکنان خود فراهم آورده است، شاید برخی افراد ظاهراً احساس کنند که امنیت وجود داشته باشد اما با نگاه دقیق‌تر در منطقه مورد نظر مشخص می‌شود که در لایه‌های پنهان ناامنی‌های زیادی دیده می‌شود. برخی افراد نیز، به طور مثال همان‌طور که در پاسخ به میزان درآمد خود به دلایل مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی واقعیت را بیان نمی‌کنند، در مورد امنیت نیز می‌توان گفت به خاطر دلایل گفته شده پاسخ‌هایی به دور از واقعیت ابراز می‌کنند. امنیت اجتماعی نیز یکی از عوامل مهم و اصلی جذب و دفع نخبگان است. که فقدان آن می‌تواند موجب مهاجرت نخبگان شود. نخبگان برای زندگی و دستیابی به مراتب بالای رشد نیازمند امنیت و آرامش خاطر هستند تا بتوانند بدون دغدغه خاطر، تمام توانایی فکری خود را صرف کار علمی‌اش کنند. در شرایطی که هر کس باید دنبال پیش پا افتاده‌ترین مسائل و ابتدایی‌ترین نیازهایش بدون، دیگر وقت و آسودگی خاطری نمی‌ماند که به علم و پیشرفت پردازد و در چنین شرایطی نخبه‌ای ظهور نخواهد کرد که بتواند پیشرفت کند و کاری برای پیشرفت علم و جامعه انجام دهد.

نتایج نشان می‌دهد که بین دو جنس زن و مرد از نظر گرایش به مهاجرت تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. بنابراین به

- تقویت هر چه بیشتر تجاری‌سازی فرآورده‌های علمی و ایجاد مؤسسات برای جذب نخبگان.
- افزایش زمینه‌های رقابت علمی و پژوهشی در میان نخبگان و دانشگاه‌ها.
- ایجاد شبکه‌های علمی - پژوهشی - آموزشی متنوع و دارای جذابیت‌های کاری و محیطی برای ماندگاری و استقرار نخبگان.

منابع

- ادگار، ا. و سجویک، پ. (۱۳۸۸). *مفاهیم کلیدی در نظریه فرهنگی*، ترجمه: ناصرالدین علی تقویان، تهران: دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی و پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
استونز، ر. (۱۳۷۹). *متفکران بزرگ جامعه‌شناسی*، ترجمه: مهرداد میردامادی، تهران: نشر مرکز.
بی، ا. (۱۳۷۹). *جامعه‌شناسی علمی - انتقادی*، ترجمه: محمد حسین پناهی، تهران: فرزانه‌گان.
باستانی، س. و ساعی، م. (۱۳۸۶). «سرمایه اجتماعی و مهاجرت و استقرار در شهرهای بزرگ: مورد شهر تبریز»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره هشتم، ش ۱، ص ۱۳۶-۱۳۷.
بوردیو، پ. (۱۳۸۲). *سرمایه جدید*، ترجمه: مرتضی مردیها، ماه‌نامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، تهران: مؤسسه اطلاعات.
پناهی، م. و امید، م. (۱۳۹۱). «رابطه پایگاه اقتصادی - اجتماعی با سرمایه فرهنگی (نمونه موردی شهر تهران)»، *فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر*، سال ششم، ش ۱۷، ص ۳۳-۶۶.
تراسبی، د. (۱۳۸۲). *اقتصاد و فرهنگ*، ترجمه: کاظم فرهادی، تهران: نشر نی.
جوهری، ف. و سراج‌زاده، ح. (۱۳۸۴). «جلای وطن: بررسی

شود. باید اذعان داشت که استقرار و نگهداشت نخبگان نیاز به یک بستر سازی اجتماعی دارد. نکته مهمی که در این تحقیق بدان رسیدیم، این مطلب بود که در شهر بندرعباس، عوامل اجتماعی - فرهنگی مانند عوامل اقتصادی و شاید بیشتر بر تمایلات و انگیزه‌های افراد نفوذ دارند. تحلیل این عوامل نشان می‌دهد که علل تمایل به مهاجرت نخبگان به داخل و یا مهاجرت آن‌ها به خارج از ایران مربوط به وضعیت و عملکرد نامناسب نهاد آموزش و پرورش و آموزش عالی، نهادهای فرهنگی و اجتماعی در جامعه مورد مطالعه است. ضعف ساختاری نهادهای علمی و مراکز آموزشی، به عنوان مهم‌ترین دلیل مهاجرتی برای اکثریت نخبگان، حکایت از آن دارد که فرصت‌های تحصیلی و نهادهای علمی و مراکز آموزشی در داخل استان و کشور به ویژه در سطوح تحصیلات تکمیلی کفایت نمی‌کند. زمانی که فرد می‌بیند نمی‌تواند در این فضا توانایی‌های خود را بروز دهد، در چنین شرایطی احساس می‌کند که این برای حیات او مناسب نیست و به دنبال حل مسأله بر می‌آید بنابراین تصمیم می‌گیرد که از این فضا خارج شود و یکی از گزینه‌هایی که برای خودش انتخاب می‌کند، مهاجرت است.

پیشنهاد‌های کاربردی

- با توجه به نتایج تحقیق، راهکارهایی برای استقرار و نگهداشت نخبگان ارائه می‌شود:
- توجه بیشتر به روابط متقابل اجتماعی و کنش‌های درون سازمان علم و نخبه‌پروری با در نظر گرفتن زندگی روزمره و سبک زندگی نخبگان.
- گفتگو بین مردم و نخبگان به منظور شناخت هر چه بیشتر و عمیق‌تر علائق و نیازهای این دو گروه نسبت به هم.
- حمایت مالی و فرهنگی از فعالیت‌های علمی و پژوهشی نخبگان.
- برقراری امکانات گفتگوی بیشتر بین نخبگان علمی و نخبگان سنتی برای ارتقای سازگاری فرهنگی.

شارع‌پور، م. (۱۳۸۰). «فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن»، نامه انجمن جامعه‌شناسی، سال اول، ش ۳، ص ۱۰۱-۱۱۲.

شارع‌پور، م. و خوش‌فر، ر. (۱۳۸۱). «رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان: مطالعه موردی شهر تهران»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۰، ص ۱۳۳-۱۴۷.

صدرآ، ع. (۱۳۹۰). بررسی نقش سرمایه اجتماعی و تأثیر آن در گرایش به مهاجرت از خارج از کشور، دانشگاه گیلان، دانشکده علوم انسانی.

صالح غفاری، ع. و افجه، ع. (۱۳۹۲). «عوامل مؤثر بر نگهداری و ترک خدمت کارکنان دانش محور، مورد مطالعه: جهاد دانشگاهی واحد تهران»، مجله علمی-پژوهشی راهبرد فرهنگ، ش ۲۱، ص ۷۹-۱۱۳.

طالبی زیدی، ع. و رضایی، ج. (۱۳۸۸). «بررسی علل مهاجرت نخبگان دانشگاهی از مازندران»، فصلنامه مدیریت، سال ششم، ش ۶۸، ص ۵۹-۶۱.

طهماسبی، ر.؛ قلی‌پور، آ. و جواهری‌زاده، ا. (۱۳۹۱). «مدیریت استعدادها، شناسایی و رتبه بندی عوامل مؤثر بر جذب و نگهداشت استعدادها علمی»، مجله پژوهش‌های مدیریت عمومی، سال پنجم، ش ۱، ص ۵-۲۶.

طاهری، م. (۱۳۸۷). «نخبه و نخبه‌گرایی»، مجله رشد علوم اجتماعی، دوره یازدهم، ش ۴۲، ص ۴-۳۲.

عبداللهی چندائق، ح. و خستو، ز. (۱۳۹۱). «اجتماع علمی در دانشگاه‌های ایران: مطالعه موردی دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی و تهران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره سیزدهم، ش ۵۹، ص ۴-۲۴.

عزیزی، ن. (۱۳۹۲). «بررسی راه‌های بهبود عملکرد پژوهشی

عوامل مؤثر برگرایش دانشجویان به مهاجرت خارج از کشور»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم، سال سیزدهم، ص ۵۰-۵۱.

جهانبخش، ا. (۱۳۸۶). «بررسی وضعیت تحقیقات اجتماعی در دانشگاه‌های کشور»، نشریه الکترونیک جامعه‌شناسی ایران، ش ۱، ص ۴-۸.

دهقان، م. (۱۳۸۲). «از فرار مغزها تا پدیده نو و ناشناخته مبادله مغزها»، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۱۹۲-۱۹۱، ص ۲۲۰-۲۲۹.

ذکایی، م. (۱۳۸۵). «جوانان، جهانی شدن و مهاجرت‌های بین‌المللی: پژوهشی در میان نخبگان»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، ش ۲، ص ۴۱-۷۵.

ذاکر صالحی، ر. (۱۳۸۶). «فراتحلیل مطالعات انجام شده در زمینه حفظ نخبگان و پیشگیری از مهاجرت آنان»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هشتم، ش ۱، ص ۱۱۳-۱۳۵.

رضایی، م. و تشویق، ف. (۱۳۹۲). «بازخوانی سنجه‌های سرمایه فرهنگی»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره دوم، ش ۱، ص ۹-۳۵.

رضایی، پ. و درتاج، ف. (۱۳۹۱). «بررسی دلایل مهاجرت نخبگان از دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های کرمان»، مجله پژوهش در نظام‌های آموزشی، ش ۱۹، ص ۱۴۷-۱۶۶.

رفیع‌پور، ف. (۱۳۷۲). سنجش گرایش روستاییان نسبت به جهاد سازندگی، تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستاییان.

ریتزر، ج. (۱۳۸۱). نظریه‌های جامعه‌شناسی دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.

سیدمن، ا. (۱۳۸۸). کشاکش آرا در جامعه‌شناسی، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

- رابطه بین جو عاطفی خانواده با رشد مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی»، *مجله پژوهش در برنامه‌ییزی درسی*، سال هشتم، دوره دوم، ش ۳، ص ۸۴-۹۳.
- Biondo, A.E. Monteleone, S. Skonieczny, G. Torrissi, B. (2012) "The Propen Sity to Return: Theory and Evidence for the Italian Brain Drain", *Journal Economics Letters*, 115: 359-362.
- Buman, Z. and May, T. (2001) *Thinking sociologically*, united kingdom: Black weel pub.
- Baron, R.A. (1997) *Socail psychology*, New York: A Viacon company.
- Callins, R. (2000) *The sociology of philosopfes, A global theory of intellecchanage*, Cambridge: Harvard university prees.
- Davanzo, J. (1981) "Repeat Migration, In Formation Costs an Location-Specific Capital", *Population and Environment*, 4: 45-73.
- Ifanti, A. Andreason, A. Argyviou, F. H. Kalofonou, H. Kalofonos, P. (2014) "Physicians Brain Drain in Greece: Apective on the Reasons Why and How to Address It", *Ealth Policy*, 117(2):210-215.
- Giddens, A. (1984) *The constitution of socity*, university of California.
- Giddens, A. (1991) *Modernity and self identity: self and indatity in postmodern age*, combridg. Polity press.
- Kajiura, A. (2008) "The Push-Pull Factors of Japanese Migration", *Polyglossia*, 15: 11-24.
- Martinez-Torres, M.R. (2006) "A Procedure to Design a Structural and Measurement Model of Intellectual Capital: An Exploratory Study", *In Information & Management*, 43(5): 617-626.
- Massey, D.S. Aysa, M. (2005) *Social Capital And International Migration From Latin America,Expert Group Meetig On International Migration and Development In Latin America and the Caribbean*. Depatment of Economic and Social Affairs. Mexico Sity.
- Sabini, J. (1995) *Social Psychology United States, Sociology of American*, Norton.
- Weinberg, B.A. (2011) "Developing Science: Scientific Performance and Brain Drain in the Developing World", *Journal of Development Economics*, 95: 95-104.
- Zhatkanbaevaa, A. Zhatkanbaevab, J. Zhatkanbaev, E. (2012) "The Impact of Globalization on "Brain Drain" in Developing Countries", *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 47:1490-1494.
- اعضای هیأت علمی در علوم انسانی»، *مجله علمی- پژوهشی راهبرد فرهنگ*، ش ۲۱، ص ۷-۳۳.
- غفاری، ر. (۱۳۸۴). *طرح ملی سنجش و تبیین سرمایه اجتماعی در ایران*، تهران: دفتر امور اجتماعی وزارت کشور.
- فیلد، ج. (۱۳۸۶). *سرمایه اجتماعی*، ترجمه: غلامرضا غفاری و حسین رمضانی، تهران: نشر کویر.
- فکوهی، ن. (۱۳۸۱). *تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی*، تهران: انتشارات نی.
- قانع‌راد، م. و خسرو خاور، ف. (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی کنشگران علمی در ایران*، تهران: نشر علم.
- قانع‌راد، م. (۱۳۸۱). «نهادی شدن علم، نگهداری و استقرار مغزها»، *مجله رهیافت*، ش ۲۸، ص ۷۱-۸۷.
- قلیچ‌لی، ب. و مشبکی، ا. (۱۳۸۵). «نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه فکری در سازمان: مطالعه دو شرکت خودرو سازی»، *فصلنامه دانش مدیریت*، ش ۷۷، ص ۱۲۵-۱۴۷.
- محدثی، ح. (۱۳۸۶). «آینده جامعه قدسی: امکانات و چشم‌اندازهای اجتماعی-سیاسی دین در ایران پسا انقلابی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره هشتم، ش ۱، ص ۷۶-۱۱۲.
- میرسپاسی، ن.؛ غلام‌زاده، د؛ رشیدی، م. و صنعتگری، ه. (۱۳۸۹). «آسیب شناسی طرح جذب و نگهداری نخبگان (مطالعه مورد در شرکت ملی نفت ایران)»، *فصلنامه مدیریت و منابع انسانی در صنعت نفت*، سال چهارم، ش ۱۱، ص ۷-۳۹.
- نوغانی، م. (۱۳۸۶). «تأثیر نابرابری سرمایه فرهنگی بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان پیش دانشگاهی در دستیابی به آموزش عالی»، *فصلنامه تعلیم و تربیت*، ش ۹۱، ص ۱۰-۷۱.
- نورالدین‌وند، م.؛ مشتاقی، س. و شهبازی، م. (۱۳۹۰). «بررسی